تکشماره ۲۵ ریال

حقیقت

۴ صفحه

شماره ۵۸ ۲۲ بهمن ۱۳۵۸

دستاوردهای قیام

بهمن را گرامی داریم و در ادامه انقلاب بکوشیم!

در صفحه ۶

انتخابات مجلس شورا و وظایف ما

حدود یک ماه دیگر از زمان انتخابات مجلس شورای ملی در سراسر ایران برگزار خواهد شد. این انتخابات قرار است ۲۷۰ نفر از نمایندگان مردم را به مجلس شورای ملی بفرستد و از همین حالا محافل سیاسی مختلف لیست های گوناگونی را بدین منظور ارائه داده اند. "سیمای آزادی" پس از کسب موفقیت چشمگیر در انتخابات ریاست جمهوری، پرودسر از تشکیل لیستی مرکب از نمایندگان خود و سردمداران "حزب جمهوری اسلامی" و شخصیت های سیاسی نه چندان گذارده و میخواهد در این انتخابات از هم اکنون فعال باشد. "حزب جمهوری اسلامی" هنوز لیست خاص خود را اعلام نکرده است و بزودی باید تا حد آن پیش برسانیم. مدتی خود فروخته نیز که داعیه ایجاد حزب خاص خود را در سر می پرورانند "تحلیل" خویش را برای شرکت در این انتخابات اعلام کرده است. از میان نیروهای انقلابی، "سازمان مجاهدین خلق ایران" آمادگی خویش را برای شرکت در این انتخابات اعلام کرده و سایر جریانات انقلابی شرکت کننده در انتخابات تحلیل خویش را برای شرکت در این انتخابات اعلام نموده اند. سبک کلام،

بقیه در صفحه ۷

سیاست ارضی محافل حاکم کنونی و روش کمونیستها

دوره دوم (۱)

در صفحه ۳

در این شماره

اخبار کارگری	صفحه ۱۰
صفحه ارتجاعی در ایران	" ۱۲
ارجیف گردستان	" ۱۸
مسئول جنگ کامبوج را ان کیست؟	" ۱۸
ما در کاری را بشناسیم	" ۱۹
با درس سید	
داریوش جابر	" ۲۴
سرامون وخدب حسن	
کمونیستی ـ یک طرح	
پیشنهادی	" ۲۴
سیاسی خارجی بنی صدر	" ۲۴
پرده پوشی یک جنایت	
هولناک	" ۲۴

نیروهای انقلابی متحدانه بدفاع از مبارزه ضد امپریالیستی دانشجویان پیرو خط امام برخیزیم

در صفحه ۲

www.iran-archive.com

موقعیت حساس مبارزه ضد امپریالیستی کنونی

بیش از ۳ ماه از اشغال جاسوسخانه آمریکا میگذرد. بروشنی میتوان گفت که آن شوروهیجان اولیه‌ای که مردم پس از اشغال آن لانه توطئه حس داشتند امروزه دیگر موجود نیست. دیگر مردم بسا سند گذشته در مقابل جاسوسخانه شب و روز اجتماع نمیکنند و ... با بددلایل و علل آن را داشت.

از همان ابتدای شروع این مبارزه، یعنی اشغال جاسوسخانه توسط دانشجویان پیرو خط امام، و مطرح ساختن اسرار دانشه، جریانات مختلف سیاسی و اجتماعی بر مبنای امیال و خواسته‌های طبقاتی خویش به جهت‌گیری و موضع گیری برابر این مبارزه آن آشکارا و پرده بلند شدند. از همان ابتدا روشن بود که لیبرالها و مشروعه‌خواهان در صدد "شورای انقلاب" و دولت موقت خواهان کرده‌اند. از شروع و گسترش یک مبارزه ضد امپریالیستی به سهم راضی نیستند، بلکه از آن بیم و هراس دارند. ولیکن در ابتدای کار که توده مردم آشکارا و بصورت وسیع به پشتیبانی از این حرکت بلند شده بود، جرات مخالفت علنی نداشتند که هیچ، بلکه مجبور بودند مرور ابه حتی خود را دانشجویان پیرو خط امام بحساب بیاورند.

"شورای انقلاب" از همان ابتدا سعی کرد که مبارزه ضد امپریالیستی را به مجرای سازشکاری کشانده و با علم کردن یک رشته مسائل "چشم کبوتر" و "صدای بین المللی" و "هیاهو صفحه بزرگ" و "دادگاه بین المللی" برای شاه مخلوع و ... مسائل را مسطح دهد، همه جریانات مختلف درون "شورای انقلاب" سروی این سیاست، یعنی خفه کردن و تخفیف بخشیدن مبارزه متفق القول بودند، و همه و رای امور جارجه سر روی سیاست "شورای انقلاب" حرکت کردند. یعنی "شورای انقلاب" در تمام این دوران منشی ضد انقلابی بوده و حرکاتش در راه مبارزه هیچ نگردد است.

با باشین رفتن شوروهیجان اولیه مبارزه ضد امپریالیستی در میان مردم، جریانات سازشکار و ضد انقلابی حملات خود را بر دانشجویان اشغال کننده جاسوسخانه افزایش دادند، تا آنجا که آنها مجبور شدند "رنجنامه‌ای" خطاب به خمینی و ملت صادر کنند. "شورای انقلاب" و مقامات ضد انقلابی مسئول آنقدر در کار خود در مبارزه علیه دانشجویان گستاخ شده بودند که حتی پس از افشای اسنادی درباره مدنی مزدور از حذف کردن وی از لیست کاندیداهای ریاست جمهوری خود داری کردند، و آنقدر دانشجویان منفرد شده‌اند که "شورای انقلاب" جرات می‌کند فرمانی صادر کند و بموجب آن دانشجویان را در اسفاده از رادیو و تلویزیون محروم کند، و بعنوان دهن کجی به ملت و همه این مبارزه‌ای که پس از اشغال سفارت را داشته بود، آقای بازرگان را بر صحنه تلویزیون ظاهر کند، از همه آبروباختگان چون امیر انتظام و میناچی و ... دفاع کند و از خط مشی و سازشکارانه خود تحلیل بعمل آورد، تا آنجا که این چنین مردم سلقمی شود که گویا سیاست‌های خیانت آمیز ایشان و همپالکی‌هایشان با سفارت آمریکا و دربار و سران ارتش باعث "پیروزی" گشته است!!؟

آنچه که روشن است آنستکه از دیدگاه ملت ایران، همه این توطئه‌ها محکوم است: از منع کردن دانشجویان پیرو خط امام در استفاده از رادیو تلویزیون تا تشکیل "هیات صفحه بزرگ" گذائی و تا "کمیسیون بین المللی" برای بررسی جنایات شاه خائن، تا رایکارگیری شادیهای قطب زاده در باره شاه مخلوع و ... همه این توطئه‌ها برای خفه کردن مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران صورت میگیرد و هیچ چیز بجز خیانت نسبت به همه شهدای انقلاب نیست.

در این مورد بدون گفتگوئی با دانشجویان پیرو خط امام که در هر حال در مرکز این مبارزه بودند، نگذشت. دانشجویان پیرو خط امام که با عمل مشهور ابه و شجاعانه خویش، حرفه‌ها را بر روی چشم ضد امپریالیستی مردم افکندند، بخش بسیار مهمی در پیشبرد این مبارزه داشتند و مسئولیتهای سنگینی بر دوش داشتند و هستند و هم هستند.

دانشجویان اشغال کننده جاسوسخانه با خودی درک کرده بودند که مبارزه با امپریالیسم آمریکا فقط نبرد با سردادستان خائن حاکم نمیشود و میبایستی با پایگاههای اجتماعی داخلی آن نیز مورد حمله قرار گیرد، و آن جریانات و خطوطی که عملا بمنابه جاده صاف کن نفوذ امپریالیسم عمل میکنند، برای مردم شناسانده شوند. از همین رو بود که دست به افشاگری هائی در مورد امپریالیسم و ... زدند و بدرستی اظهار داشتند که هدف آنها از این افشاگری‌ها، نه بدنام کردن و معرفی چند جاسوس بلکه شناساندن یک خط انحرافی و سازشکارانه و ضد انقلابی به ملت ایران بوده است. اما این افشاگری‌ها از همان ابتدای خود با مخالفت شدید "شورای انقلاب" و مقامات مسئول و کسانیکه بیش از همه تحت حمله قرار داشتند یعنی بورژوا لیبرالها و بطور مشخص "نهضت آزادی" روبرو گشت. دانشجویان در مقابل به ملت متوسل شدند، که کار درستی بود، ولی در عینحال یک عقب نشینی محسوس نیز در کارشان هویدا گشت. و این آغاز منفرد شدنشان بود، هر قدم عقب نشینی مساویست با پیش روی نیروهای سازشکار و ضد انقلابی حاکم.

دانشجویان پیرو خط امام در فرآیند مبارزه خویش، بجای آنکه از همه نیروهای انقلابی که به پشتیبانی آنها برخاسته بودند استقبال کرده و آنطوریکه خود نیز میگفتند و میدانستند بین جبهه اتحاد علیه امپریالیسم آمریکا را بوجود آورند، بخاطر تعصبات تنگ نظرانه مذهبی و دیگری، بروی نیروهای انقلابی چون چریکهای فدائی خلق بلند شدند و علما اظهار داشتند که به پشتیبانی اینگونه نیروها احتیاجی ندارند!؟ و مسافه در دام همان بورژوا لیبرالها و جریانات سازشکار و ضد انقلابی افتادند. آنهائی که میخواستند هر چه بیشتر مردم و نیروهای انقلابی را از دانشجویان جدا کنند و با انفرادی آنها موقع و فرصت را برای حمله جدی به دانشجویان فراهم آورند. آنها باشد آورند که دانشجویان در بست رادیو و تلویزیون ظاهر شوند و اعلام کنند که نیروهای "مخصوص ضد امپریالیستی" (که منظورشان روس بود چه کسانی را میگویند) به دفاع از آنها برخاسته‌اند، ولی با دشمن رفته باشد که بتنها دشمن خودشان بر علیه برخی از این نیروها، که دشمنی در رابطه با پشتیبانی از دانشجویان اعلامیه صادر نکرده بودند!!

دانشجویان بسیاری از مشخص مورد از خود را در گیر کشانیدند و دعواهای درونی هیات حاکمه نمودند. دفاع از حزب جمهوری اسلامی بعنوان "دشمن دیرینه" (!!) امپریالیسم آمریکا (که فقط ۹-۸ ماه از عمرش میگذرد) درست در زمانی که بر علیه رهبری این حزب افشاگریهائی از طرف بخش‌های دیگر روحانیت صورت میگیرد، آنهم دفاع از رهبران بدنامی چون بهشتی و هاشمی رفسنجانی، یکی از موارد این درگیری‌های دانشجویان در مسائل درونی هیات حاکمه بود. همه این عوامل باعث گشتند که دانشجویان پیرو خط امام نتوانند حتی بمانند روزهای اول اشغال جاسوسخانه، مبارزه ضد امپریالیستی را شوروهیجان بخشند. نه تنها خواستشان در خود محدودیت مبارزه را ایجاب میکرد، بلکه عوامل بالا باعث گشت که بتدریج جریانات لیبرال و سازشکار بتوانند بر اوضاع مسلط گردند و آنها را دست بدامان ضد انقلابی بزنند، بطوریکه جرات یابند تا از جاسوسانی چون امیر انتظام بدفاع برخیزند!

نیروهای انقلابی کدام از ابتدا به دفاع و پشتیبانی از حرکت دانشجویان پیرو خط امام و اشغال لانه جاسوسی امپریالیسم آمریکا برخاستند، و این حرکت را نقطه آغازی برای جریان یابی یک جنبش اصولی و صحیح ضد امپریالیستی یافتند، امروز بر این ارهرمان دیگری باید در دامن زدن به این مبارزه کوشا باشند و به پشتیبانی از دانشجویان در مقابل حملات روز افزون "شورای انقلاب" و بورژوا لیبرالها برخیزند. نیروهای انقلابی نمی‌بایستی از دانشجویان پیرو خط امام انتظار میخوردیک مبارزه تمام عیار انقلابی و سی عیب و نقص را داشته باشند. دانشجویان پیرو خط امام که خود از جریانی سازشکاری در عرصه‌ها صحنه مشاهده میکنند و حتی در درون خود نیز گرایشات مختلفی را حمل میکنند، طبیعتا در سبب به سهائی و بدون پشتیبانی نیروهای دیگر، تک مبارزه بدون انحراف ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی را به پیش ببرند. این گونه نیروها بدون تماس با نیروهای انقلابی و جریانات انقلابی، بسا از گوشه آمده در پس بدام می‌افتند، فقط بشمار از ریاکاری و پشتیبانی نیروهای انقلابی است که آنان را در مسائل روز مصمم میکند. و امروز که "شورای انقلاب" و ضد انقلاب و جریانات سازشکاری چون نهضت آزادی و جریانات جمهوری

بقیه در صفحه ۹

www.iran-archive.com

سیاست ارضی...

بررسی وتحلیل ازسیاست ارضی محافل حاکم درشرائط کنونی ومبارزه طبقاتی درون وبیرون آن در ۲-۳ ماهه اخیر موضوع مساله ارضی وبالاخره تعیین روش سیاسی انقلابیون وکمونیست ها درقبال آن عمدا ازنقطه نظر حیات دهقانی ومساله ارضی حائز اهمیت است وهم ازلحاظ مجموعه مبارزه ضد امپریالیستی ومدارنجاع داخلی کنونی حلق های ایران ،چه مبارزه برعلیه امپریالیسم آمریکا درشرائط مشخص کنونی ،یا مبارزه برعلیه بقایای اصلی این امپریالیسم دردرون جامعه یعنی درمیان فئودال ها وسرمایه داران وابسته و رده های بالای ارتش (قوای نظامی) وبازسازی آن درصدرت سیاسی کنونی عجین گشته است .ما دراینجا به بررسی تحولات مساله ارضی درروستاها و مبارزه دهقانان برعلیه فئودالیسم و ربطش با مبارزه برعلیه امپریالیسم آمریکا بطورکلی وامکان آن در محافل حاکم کنونی خواهیم پرداخت . ولی دراینجا نیز مناسبت است که مروری مختصر ازسیاست ارضی محافل حاکم درگذشته ،یا دردوره اول (پس از واردشدن به تحلیل ازمسائل ارضی ۳ - ۲ ماه گذشته ، یا دوره دوم) بنمائیم . (برای بررسی مفصل نوشته حقیقت های ۴۵ - ۴۲ رجوع شود).

بدنبال سرنگونی رژیم پهلوی وبا بدنه فئودال - کمپرادورها و بخشهای بیروزی خلق های ایران در دومین انقلاب خود ،نیروهای جدیدی واردصدرت سیاسی شدندکه عبارت بودند ازبورژوازی ملی وخرده بورژوازی وروحانیت بالایه های مختلف طبقاتی خود .اینان با بقایای طبقاتی رژیم گذشته صدرت سیاسی حاکمه را درمجموع تشکیل دادند . دسته ای ازبورژوازی ملی وسایبندگانش که همگی ازسایبندگان قدیمی وماقبل ۱۵ خردادی این طبقه بودند (آنهم تا زمانی ازسایبندگان آن دوران) تا آنجاکه مربوط به ترکیب شان درصدرت سیاسی میشد درعرض دوره اول بطورعمده جریان نهضت آزادی وسایبندگانش خلاصه گردیدند . این جریان درعرض چند ماه اول بازمان سقوط از "دولت موقت" تا آب "درآبانماه امسال ،درمبارزه با فئودالیسم همان گرفته درمبارزه با امپریالیسم وسرمایه داری وابسته بود .یعنی یکدست مماشات وسازش کاری ،که درحقیقت نوع نظم و "صداقت" درمواضع سیاسی این جریان را نشان میداد .روحانیت بالایه های مختلف طبقاتی خودکه اتکاء سیاسی از جریانات طبقاتی مختلف درجامعه ما را نشان میدهد منافع طبقاتی رده های ازفئودال ها وبورژوازی کمپرادورها گرفته تا خرده بورژوازی را تشکیل میداد که تبلیغات های سازمانی آن درارگانهای مراجع تقلید شورای انقلاب وجریان آیت الله خمینی بچشم میخورد .این جریانات گوناگون ومختلف الروش طبقاتی ، بویژه شورای انقلاب (ازپیدا رکنار رهبری آیت الله طالقانی) درموردمساله ارضی ومبارزه با فئودالیسم وسپس مبارزه برگمالکی مماشات وسازش کامل نشان داده وهمین روش را درمورد مبارزه با امپریالیسم وسرمایه داری وابسته بکار بردند .شورای انقلاب بهمراهی جریانات دیگر بعضی راست ترس بخش بورژوازی ملی و با حمایت (وحتی مشارکت) بقایای کثیف وبدبوی فئودال ها وکمپرادورهای پس مانده ازرژیم گذشته درمورد مساله ارضی کم وبیش حق واحدی را تشکیل داده که بدون فئودالی" قانون واگذاری واحیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی" که قانون نظام ارضی کنونی ازنقطه نظرشان بود ،میوه ومحصول این کوشش سر بجا نبود .این بدکه حامی ومشوق فئودالیسم درروستاها بود ،تواست درشرائط تعداد یک مبارزه انقلابی در سطح وسیع توده های وسیع دهقانان تغیرو مبارزه حال ،تبلیغات سوء درموردخواست هایشان ،یعنی کسب زمین توسط این بخش ازدهقانان ، درمیان دهقانان خرده وخرده مالکین بودوآنها را تا حدتامل ملاحظه ای به دنبال خودکشیده وازتوده های دهقانان تغیرو مبارزه حال کاملا جدا دارد. درهرصورت دراین گیرودار نیز آیت الله خمینی برروی قانون زمین داری نوق صحه گذارده وآنرا موردحمایت قرارداد .ولی درهمان زمان نیزحتی عده ای ازکسانیکه بکردولایت فقیه بسیج گردیده بودند ،با قانون قوی مخالفت کرده آنرا حامی فئودالیسم و بزرگمالکی معرفی کرده وخواستار الغاء آن شدند .اینان دراماکن ومحافل مختلف ابرازعقیده نمودوبا این قانون حامی بزرگ مالکی وفئودالیسم مخالفت میکردندکه ازجمله درسمینار کشاورزی درمهرماه امسال مشهور است .ولی اینان که ازتشکیلات محلی دهقانان تغیرومبارزه حال برخوردار نبودند ،درمجموع تاثیرات عمده ای نداشته وحتی جلسه ای انعقاد نمودند. جریان رضا اصفهانی وداستجویان بعرفت به "پیروخط امام" چنین نقشی رادرآنزمان داشتند.

علاوه برمخالفت ومقاومت قوی ، توده کثیردهقانان تغیرومبارزه حال دست به مخالفت ومبارزه برعلیه قانون قوی رده واین جریان عمده مخالفت برعلیه قانون قوی بود .این توده کثیردهقانی ،که توده دهقانان بی زمین وکم زمین جامعه روستائی را تشکیل میدهد با اعلام اینکه "این قانون، ارتقاء قانون دوران طاغوت بدتر است" و "قانون طاغوت را لغوکنید" درروستاها وشهرها دست به مبارزه زدند .درجریان چنین مبارزه ای بود که رده هائی ازبورژوازی ملی(بخش هائی ازجبهه ملی ونهضت آزادی) برای حامی نمودن مبارزه دهقانان تغیرومبارزه حال برعلیه فئودالیسم وجلب رضایت دهقانان مرفه و خرده مالکین ،راه حل "تقسیم اراضی موات" رابیشنهاد کردندکه بلافاصله ازطرف جریانات مرتبط با شورای انقلاب با راه حل تقسیم اراضی بایر پیرنظمی گشت .بدین ترتیب راه حل "تقسیم اراضی موات وبایر" ،راه حل اصلاحات ارضی محافل حاکم وقت گردید .ما درهمان زمان به پوچی این راه حل ،درشرائط حاد مبارزه طبقاتی درروستاها ،اشاره کرده وگفتیم که "محورا صلی مبارزه ارضی درروستاهای ما بشکل مصادره وکسب زمین های فئودالی وکمپرادوری است وبه زمینهای "موات" (وبا "بایر" ما به طرح آیت الله منتظری) وایجاد ارطرف دهقانان بطورعمده پیش شرطش سرنگونی وقطع کامل نفوذ فئودالها وکمپرادورها در روستاها است وتا زمانیکه این مهم صورت نپذیرفته است اراضی "موات" به سرانجام مورد استفاده دهقانان قرار گیرد وبه میزان اندکی برای رفاهی آنان ازبند وبندان بساط حاشان سرانجام ازبیمه فئودالی روستا باشد" (حقیقت ۲۵)

این راه حل موردا ستقبال توده دهقانی قرارنگرفت ودرهمین حین و پیش بودکه "دولت موقت" وورزیرکمانی فئودالش ساقط گردید . سپس ۹ ماه مماشات با دشمنان انقلاب یعنی با سرمایه داری وابسته وامپریالیسم ،رشدعمیق نارضایتی در میان توده مردم وهمچنین رشدفعالیت در میان محافل حاکم ،نمود این بصورت سقوط "دولت موقت" مجلی یافت .ولی این تنها نمود این نبود . درمجموع دراین دوران شورای انقلاب گذرید صدرت داردوسه صدا تشکیلاتی بهشتی قرارگرفته بود بهمراه دارو دسته بازرگان (نهضت آزادی) همگی موقعیت شان تضعیف یافته واین تضعیف تخرج واردشدن جریان جدیدی درقدرت سیاسی وتغییرمواضع آیت الله خمینی صورت پذیرفت .این جریان جدید ،همان جریان معروف "رضا اصفهانی" و "دانشجویان پیرو خط امام" بودکه جریان واحدی را در مقیاس ملی درجامعه تشکیل داده وسی دهند .این جریان جدیدکه برمبنای مبارزه با آمریکا ،فئودال ها وسرمایه داران وابسته وبرعلیه فئودالیسم وجلب رضایت دهقانان مرفه و خرده مالکین ،راه حل "تقسیم اراضی موات" رابیشنهاد کردندکه بلافاصله ارطرف جریانات مرتبط با شورای انقلاب با راه حل تقسیم اراضی بایر پیرنظمی گشت .بدین ترتیب راه حل "تقسیم اراضی موات وبایر" ،راه حل اصلاحات ارضی محافل حاکم وقت گردید .ما درهمان زمان به پوچی این راه حل ،درشرائط حاد مبارزه طبقاتی درروستاها ،اشاره کرده وگفتیم که "محورا صلی مبارزه ارضی درروستاهای ما بشکل مصادره وکسب زمین های فئودالی وکمپرادوری است وبه زمینهای "موات" (وبا "بایر" ما به طرح آیت الله منتظری) وایجاد ارطرف دهقانان

بقیه درصفحه ۴

www.iran-archive.com

حقیقت

سیاست ارضی ...

آنگاه که از حمایت خود بر حسب دار نگشتند عکس العمل هائی بصورت "استعفاء نامه" (در مورد اصفهانی) و بصورت "رنج نامه" (در مورد دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی) نشان دادند. در هر حال تا آنجا که مساله ارضی، مورد بحث ما در این جا است، جریان اصفهانی برنامه دیگری برای حل مساله ارضی ارائه نمود که در مقابل برنامه ارضی منعکس شده در "قانون واگذاری ... اراضی..." توسط "شورای انقلاب" و دارودسته بهشتی قرار گرفته است.

برنامه ارضی اصفهانی چیست؟ مبارزه طبقاتی بر گرد برنامه خود در درون محافل حاکم حکومت است و روش کمونیست ها در برخورد به مسائل فوق چه باید باشد؟

الف- مساله ارضی و جریان رضا اصفهانی و شورای انقلاب

نظرات و طرح اصفهانی در مورد راه حل مساله ارضی از چند بحر تشکیل یافته است. اول آنکه اراضی فئودالیا بویژه بزرگ فئودال ها مصادره شده و بعنوان اراضی مصادره شده در (که در بدو امر بنیاد مستضعفین است) و هم چنین اراضی دولتی در میان دهقانان تقسیم شده و در اختیار رسان قرار نمیرود. بدین ترتیب مالکیت ارضی محدود شده و بر حسب مناطق مختلف حدود آن تعیین میگردد. مالکیت خرده مالکان متمول این تقسیم نکشد و حتی در صورت امکان به آنها کمک هم میشود. دوم آنکه سود اسمی ارضی مزارعه مطبق با شرائط کنونی جامعه ما سیده و از آنجا که مباشری و اجزاء عامل مستقر در لانه اعلام است، می باشد تحریم و لغو گردد و بنا بر این اسلام "الارض لمن احیاها" (یعنی زمین از آن کسی است که آنرا آباد و زنده کند) مبنای حل مساله ارضی گردد. سوم آنکه زمین های بزرگ (یعنی بیش از آنکه بر اساس تعاریف اسلام در اختیار دهقانان قرار دارد) و بدون آنکه صاحب و یا صاحبان آن خواهان آبادی و کشت و بهره برداری از آن باشند، فئودالیا و یا اعلام نشده ... بود. در مورد این زمین ها صاحب مالکیت برای دهقانان مادر بسته و طبیعتا حق خرید و فروش و نقل و انتقالات نیز در مورد این زمین ها نیست و در صورت عدم تکسب بین گرفته میشود. چهارم آنکه تقسیم زمین با نظارت و هدایت هیئتی ۹ نفره (از وزارت کشاورزی، جهاد سازندگی، استانداریها، سپاه پاسداران، وزارت کشور، وزارت دادگستری، استانداران و بالاخره دو نفر از معتمدین محل) با بین دهقانان توزیع می گردد.

در مسجد میبینیم که استخوان بندی این طرح مبارزه با بزرگ مالکی فئودالی و سود اسمی مزارعه و تقسیم زمینهای مصادره شده در میان دهقانان بی زمین و کم زمین است. دهقانان بی زمین و کم زمین که از لایحه ارضی مصوبه شورای انقلاب مستثنی و یا راضی و مخالف بوده و بر علیه آن مبارزه کرده بودند، با توجه به خواست می مدا مصوبا لیبیسی در مجلس ملی و برنامه ارضی جریان اصفهانی، نیروی سنگری احساس کرده و دست به تقسیم زمین زدند. حرکت برای کسب زمین در میان دهقانان که مدتی در حالت رکود مرا رکرده بود بویژه در آبانماه و آذرماه و مجددا اوج دیگری گرفته و مبادرت بسیار وسیعی از زمین در خراسان، مازندران، همدان، فارس، خوزستان و غیره مصادره و تقسیم گردید. این حرکت خودجوشی دهقانی و از نائین برخیزد که با این نحو مسئوله سوائق اصفهانی نبود، ولی در هر حال در مناطق مختلف، با مساعدت و همراهی جریان اصفهانی مواجه گشته و حتی مقدار بیشتری از زمین های مورد تقسیم بین دهقانان بی زمین و کم زمین قرار گرفت. جریان اصفهانی که محدوده شود در ارگانهای سازمانی حکومت شود و بلکه در میان سپاه مستضعفین، جهاد سازندگی و پاسداران در مناطق مختلف ایران رشد و تشدید داشته، بر مبنای طرح فوق تعاونی دهقانان برخاسته و خود دست به تقسیم زمین زدند. تقسیم زمین در اطراف شیراز، باغملک، شوشتر، مرودشت، ترکمن صحرا، سرخس، بیرجند و غیره در مورد مبارزه با فئودالیسم، مبارزه با بی بهداشتی و ... دارد. در مورد وسائل مورد تقسیم تکمیل و با احیا "کاروانهای مرحله" جهاد سازندگی در این راستا ارجمانک تا حل ... در مورد که ... بر مورد ... مبارزه مطلبی ... سامی فئودالیا و زمین خواران ایران و بخصوص خوزستان ... شدیدا اخطار میکنیم و به همه آنان اعلام می کنیم که برای مالکیت ارضی شما که در زمان رژیم فاسد گذشته نصیبتان شده کوچکترین ارزشی قائل نیستیم و از نظر ما تنها کسانی صاحب زمین هستند که خود شخصا بر روی آن کار میکنند" (از اعلامیه سپاه پاسداران خوزستان، آذر ماه ۱۳۵۸) به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین وارد عمل شده و در خوزستان، در اراضی وسائل و غیره دست به تقسیم زمین میان دهقانان زدند. بدین ترتیب جریان رضا اصفهانی (ضمن اعلام طرح ارضی خود، در عین حال خود را محدود به اعلام آن نموده و در عمل دست به تقسیم زمین زده که تا حال هزاران هکتار زمین بدین نحوه مورد تقسیم میان دهقانان برای کشت و زرع قرار گرفته است. در نتیجه جریان رضا اصفهانی که در دوره اول، جریان سازشی را تشکیل میداد، و از حمایت دهقانان برخوردار شود، توانست در این دوره حمایت توده بسیار وسیعی از دهقانان را جلب نموده (و با دستی حمایت از دانشجویان و انجمن های اسلامی شان از عمل) و با این نیرو در مقابل فئودال ها، دارودسته بهشتی و دیگران در "شورای انقلاب" که حمایت از این نیروی بوسیده فزون و سطائی در روستاها میکردند و میکنند، صف آرائی کند. صف آرائی که از جمله زمانهای اوج آن نظر اخراج دهقانان اطراف شیراز و دانشجویان در ۲ دی ماه امسال در مقابل لانه جاسوسی و سپس رادیو نمائی بطرف وزارت کشاورزی با شعارهای راستین انقلاب دموکراتیک و ملی ما یعنی: "دهقان میبرزد، فئودال میلرزد" و "زمین های مزروعی از دست خان و ارباب آزاد باید گردد، این مزرعه ایران بهتر بر کرآباد باید گردد" و بالاخره "حمایت از فئودال، سوغات آمریکاست" متبلور گردید.

ولی فئودال ها و عوامل شان و همچنین عاملان شورای انقلاب، در این مدت در مقابل تقسیم دهقانی و جریان رضا اصفهانی سکوت نمودند و دست به ابزار مسائل و تاکتیکی و توطئه ها زدند. در مجلس روستا ها ... تشکیل و با احیا "کاروانهای مرحله" جهاد سازندگی را ... و این ... بهمراه آنان فئودال ها (با همراهی برخی از خرده مالکین) که اغلب سوراهای کشاورزی اسان های محلشان را رهبری و هدایت میکنند، دست به تحریکات مختلف زدند. بویژه شورای کشاورزی شیراز که از زمین کسوبان تدوین لایحه "قانون واگذاری ... اراضی..." کمیسیونی است، دست به سلسله اقدامات و مصاحبه ها زده و با بسیج سایر شوراهای کشاورزی مانند فارس، همدان، گنبد، کاووس، سرو و غیره با عنوان کردن "لزوم وحدت در مقابل آمریکا"!! و "خرده مالکان تحت ستم قرار گرفته اند" و بالاخره با شعار "جمهوری کمونیستی را میخواهند جایگزین جمهوری اسلامی کنند" آیت الله خمینی و "شورای انقلاب" را تحت فشار قرار دادند. در این جریان فئودالیا از طریق تبلیغات شان و "شوراهای کشاورزی" اشان توانستند مانند دوره قبلی، حمایت کم و بیش دهقانان مرفه و خرده مالکان را حفظ کنند، و در عین حال همانطور که گفتیم با برادر اداحسن یک مخالفت سازمان یافته مانند برادر اداحسن گروه های حزب، سل، ملکرا قاب و با مدعا به مراجع تقلید و آیت الله خمینی و "شورای انقلاب" وا مثالهم در مقابل جریان رضا اصفهانی صف آرائی کردند.

"شورای انقلاب" در این دوره در حمایت از فئودالیسم و بزرگ مالکی همان گونه که در دوره قبلی نمود، حمایت یکدست از بزرگ فئودال ها و امثالهم. اگر لایحه ارضی ارائه شده از سوی ایزدی برای تصویب در "شورای انقلاب" در مدت زمان طول کشید، برنامه ارضی ارائه شده توسط اصفهانی صحاوزارت ۲ ماه است که در "شورای انقلاب" مدرا را کشیده است! جریان اصفهانی در مورد برنامه ارضی اش با مخالفت جدا انقلابی و تند بدار و دست بهشتی که حتی با برخی از مخالفین درون شورای انقلاب مانند ... و ... و ... و

سیاست ارضی ...

کلیاتی بدون طرح مشخص بگویند واین مشخصات باعث بهم‌خوردن اقتصادی کشور شود واقتصاد به‌کنار در اراضی کشاورزی سلب گردد وخسارتی در فصل کشت ، دست ازکار کشاورز بردارند ، زمین‌ها را سرمایه‌داران با امکانی ایجاد بیکاری کنند ومسأله‌فرار سرمایه‌ها پیش بیاید" (اطلاعات ۲ دیماه ۵۸) بدین ترتیب مخالفت صریح و بی پرده‌دار و دسته سیاسی را با جریان اقتصادی وطرحش اعلام نمود.

در این دوران "شورای انقلاب" با توجه به ترکیب موجود فئودالی و ضدامپریالیستی موجود در جامعه، خراب ردصریح طرح ارائه‌شده ارطرف اقتصادی را نداشت ،ولی عین سعی ابداعی بتصویب آن ، باجرای طرح ابتدایی که همان "باور زمین‌داری" ارتجاعی بود ، اقدام نمود . در اواخر آذرماه وسیله اول دیماه بی بی آتش نامه‌های محلی در باب اجرای طرح ابتدایی بتصویب نمود و بدین ترتیب مخالفت خودرا با طرح ارائه‌شده ارطرف اقتصادی بطور غیرمستقیم اعلام‌داشت .با کمک "شورای انقلاب" وارودسته سیاسی ،که از حمایت فئودالها نیز برخوردار بود ، آن بودوتشت که با کش دادن مرحله طرح ارائه‌شده بوسط اقتصادی، خواستند بتدریجی جوضد امپریالیستی و ضدفئودالی جامعه وبا منحرف نمودن جامعه در مسیر خاصی ازقبیل ریاست جمهوری ، انتخابات مجلس شورا و بالاخره تعیین شورای نگهبان ، کلک طرح را درشرائط وجودیکری ، مانند دوره اول ، کنده وآنرا ناتمام بماند .چنانکه سیرتب وچیدادن انتخابات ریاست جمهوری (وضدت رخوی نیما کاندیدائی که برنامه معین ضدامپریالیستی وضدفئودالی داشت) وماندن کاندیداهائی درآن که همگی یا خودضدامپریالیستی وضدفئودالی درجامعه وجریان معروف به رضا اقتصادی ودانجریان خط امام (یا حدی تعبیرازدگرسامی) مخالفت داشتند ،درحدمت این یا کنک ضرار گرفت وبودند مردم بدین ترتیب در مسیری که باکشدن بروی "سلطه و امنیت" ، "رضا اقتصادی" و "حکومت قانون" وامثالهم که بدون ارتباط وخارج ازمبارزه برعلیه امپریالیسم آمریکا وبایگاههای داخلی این مطرح میگردید ، فرارگرفتند .درهر حال ازبحث اصلی دورنشویم ،مبارزه‌ئی که برسرمسأله ارضی ،بین جریان رضا اقتصادی وجریان سیاسی وداروسته این جریان داشته ،وهم‌اکنون نیز ادامه‌دارد ،مبارزه‌ای است که درنظر واساس این ،ماهیت دهقانان از یکطرف وفئودالیسم وبزرگ مالکی از سوی دیگر (که با شداب نورزواری‌ملی وکمپرادوری بهمراه دارد) درمیان جامعه جریان دارد .خواست دهقانان وبویژه دهقانان کم‌زمین وبی زمین "تقسیم زمین های ارباب" مصادره شده وبسته داشت وخواست وبرنامه‌دموکراتیک حفظ این زمین ها ودرخواست احتیاج دادن به‌راه‌حل "تقسیم زمین های نواب وناصر" است .

درجریان مبارزه این دوقطب در درون هیئت حاکمه ،آیت‌الله خمینی بیرکه قبلا قانون ارائه‌شده ارسوی ایردی ومصوبه شورای انقلاب را تائید نموده بود ،جانب ویژه‌ای را دارد . ایشان که منافع وسیاستهای ضدامپریالیستی وضدفئودالی را درجامعه نمایندگی میکند ،درشرایط تعیین ارمبارزه ارمبارزه‌طبقاتی وصف‌بندی نیروهای سیاسی وطبقاتی مصمم‌اند وعوامل خواهند که با بورژ مالکی سرمبارزه کند .درهمه همراهان مسئولات حاضر می ، ایشان بطور غیرمستقیم وبطور صریح بیانیه‌ای که از قول او عنوان کرده بودکه "دراسلام مالکیت محدود دست ندارد" ،حمله نموده وا اعلام‌نمود که "مالکیت وثروت دراسلام محدود ومشروط است" وقول رضا اقتصادی که : "درمورد مبارزه با فئودالیسم ، امام بارها تنبیه بدین مسأله نمی فئودالیسم با کنید کردند که کسانی که برخلاف مبنی اسلام ودرارتباط های اسلامی زمین هائی را تحت اختیار خوددرآورده‌اند به‌کشاورزان وجامعه بدهکارند" (مصاحبه با رضا اقتصادی - نقل قول درکشاورزا مرور- ۲۹دیماه)

درهرحال دراستدای کار وسا مدنی ،که مبارزه با طرح مبارزه‌نیز علیه فئودالیسم وآمریکا دردوران اخیرنمود ،ایشان با برنامه مبارزه با بورژ مالکی موافق وتائیدشان دادند .ولی بتدریج اردنداشان با توجه به تغییرات ضرب وشرب جریان رضا اقتصادی درهیئت حاکمه ، امکان مخالفت مواجع بطلبیدبا اطلاعات ارضی وهم‌چنین برهم‌خوردن وحدت درمبارزه با آمریکا ،موضعیت معینی که عدم‌اتحاد موضع نمودرا اختیار نمود .بدین ترتیب برهم زدن مالکیت‌ها را دراین شرائط بعلاج بدانسته وملوبحاآنرا (ماسبدبحث برسرمسأله در "قانون اساسی") بدآینده موکول نمود .

دریک کلام بدین ترتیب می بینیم که دوسرسرنگونی بزرگ مالکی مبارزه مابین دهقانان وفئودالهای نوبرده فئودال های کنده‌کنده درجامعه بدرون محافل حاکم‌کنونی بیشتر کشیده‌شده ودوطرح ارضی که یکی طرح ایردی (مصوبه شورای انقلاب) با حمایت داروسته سیاسی ودیگری طرح ارائه‌شده ارطرف اقتصادی می باشد ، رودرروی هم‌قرارگرفته‌اند .

روی کمونیست‌ها دراین دوره‌ها همانندکدسته (درمورد مسأله ارضی با شدمبارزه فئودالیسم وبزرگ مالکی درعینیاس جامعه وسیاسی بیشدون تبدوسرط وبهانه‌واداواطوارا رسوده دهقانان بی زمین وکم‌زمین بسوده ؛ "شورای ضدانقلابی انقلاب" و داروسته سیاسی راکه‌حامی فئودالیسم و بزرگ مالکی است موردحمله ومبارزه قرارداده‌اند .درعین حال می بایستی از "جریان رضا اقتصادی" درمقابل فئودال ها و"شورای انقلاب" که بزرگ مالکی‌بوده استفاده‌ئی فئودالی را موردحمله‌قرارداده‌است ، سیاسی ودفاع نمایند .سپردادن جریان اقتصادی ازجریان داروسته ضدانقلابی سیاسی ازمهم‌ترین ویژگی های مبارزه‌طبقاتی کنونی در برخوردسه مسأله ارضی بوده‌وانقلابیون وکمونیست‌ها نباید هردوجریان را با یک چوب رانده وبا تحت عناوین می درآوردی خرده‌بورژوائی مانند "پرولتری نبودن مبارزه" ویا "اصیل نبودن مبارزه" که‌خودطراحان حتی معانی آنرا هم‌نمی فهمند ،بجای مورد حمله‌قرارداد . داروسته سیاسی و امپریالیسم ،جریان اقتصادی را مورد حمله‌قرارداده‌اند .همانطورکه‌به‌امتداد این جریان ،درسطح‌لایه‌های سوی برخوردارتحرانی مانند خودند ، انقلابیون وکمونیستها بایددردفاع ازجریان اقتصادی ،درعین حال بر با مدارضی خودرا نیز ،درارتباط با شرائط معین مبارزه‌ارائه‌دهند وضدامپریالیستی است که‌چنین کاری راکردند و برنامه‌ارضی معینی رابرای ادامه و ضروری درمیان انقلابیان ارائه نموده‌ایم (حقیقت ۲۸) .درنتیجه ما عین بسیاری ازجریان ضدفئودالی رضا اقتصادی،می باشیم برنامه او را با آنجاکه‌منافع کامل دهقانان فقیروضایعه‌حال (بی زمین وکم‌زمین) این محدترین ووفادارترین یاروو دوست طبقه‌کارگردراین انقلاب، بیان نمیکند ،موردانتقادقرارمیدهیم.

اولین نکته ،درموردمسأله‌مالکیت دهقانی زمین است .مبانی طرح اقتصادی زمین مابین دهقانان بصورت مناع تقسیم‌شده‌وموردانتقاد تساوی آنها قرارنمیگیردولی به مالکیت دهقانان درنمی‌آید (چه‌مالکیت طبق نظرایشان ازآن خداست) ولی تمامی مبارزه‌طبقاتی دراین انقلاب ماوما برانقلابات برسرمالکیت برابزارتولیداست ودراینجا برسرمالکیت برزمین . انقلاب کنونی ما برعلیه‌هرنوع مالکیت خصوصی نیست ،بلکه برعلیه‌مالکیت های امپریالیستی ،سرمایه‌داری وابسته وفئودالی بوده‌وما برمالکیت هارا محدودمینمائیم‌شرایط را برای مرحله‌بعدی که‌لغوهرنوع مالکیت خصوصی است ، مهیا مینمائیم .در انقلاب کنونی ما که‌طبقه‌کارگردیکتاتوری خودرا برطبقات ارتجاعی اعمال میکندودیکتاتوری مشترک طبقات انقلابی (ویابقول ایشان مستضعفین) برعلیه‌طبقات ضدانقلابی وارتجاعی (وبقول ایشان مستکبرین) نمی بایستی دردستورکارباشد .لغوما لکیت های خصوصی طبقات انقلابی، بویژه‌دهقانان ،وبرقرارکردن مالکیت عمومی (وبابقول ایشان مالکیت خدا) دردستورکارنیست .برقراری مالکیت عمومی وبعدی مالکیت خصوصی دهقانان وپیشه‌وران دراین شرایط مطرح‌بحال انقلاب ووحدت آنان بوده‌وجب روابه‌است .بدین جهت است که‌شعارسرقراری مالکیت خدا در این شرایط شعارجب روابه‌بوده‌ویا شرایط معین انقلاب ماوهم‌چنین آگاهی وسعیددهقانان دراین شرایط مطابقت ندارد .ومسلما خدمرسانی آن دراین مرحله‌بواقع نخواهدداشت ! بدین ترتیب می بایستی زمین های مصادره‌شده‌ارمالکیت فئودال ها درآمده‌وبمالکیت دهقانان قرار گیرد .بدون رعایت این اصل،هرنوع طرح اصلاحات ارضی دیرپارود ،بعدار مدتی،حمایت دهقانان را ازکف خواهد داد .درعین حال مالک شدن دهقانان بنابراین طرح ،درشرایطی است که‌سعادکوچکی ازدهقانان تغییر و سعادتبیاوسیعی ازدهقانان مبا به‌حال وهم‌چنین دهقانان برخوردارای مالکیت بزرگ زمین ازتمل ودرسعید از اصلاحات ارضی ناخواهند .این طرح

بقیه درصفحه ۸

www.iran-archive.com

حقیقت

موضع حساس ...

اسلامی و ... دست بدست هم داده اند تا آخرین ضربه را بر پیکر مبارزه مسلحانه وارد آورند. برای این کار روی سرحملهٔ خود را متوجه دانشجویان اعتصاب کننده جا سوخاسته کرده اند. و طبقه نیروهای اسلامی است که در پناه سیاسی وسیع از دانشجویان در مقابل این سیاست ضد انقلابی موضع گیرند. خصوصاً نیروهای انقلابی چون مجاهدین خلق و فدائیان خلق کار را به نمونه ای وسیع تری در میان توده ها برخورد دارند. در این میهن حساس می توانند یاری کنند. مضمون اصلی سیاسی ارتداد خود را بیان، دفاع از مبارزه ضد امپریالیستی و دوباره دفاع از آزادی دیگر انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی ایران است.

طاهر کیم، مبارزه ضد امپریالیستی که در ارتباط تنگاتنگ با سوسیالیسم و امپریالیسم آمریکا جریان یافت، در لحظه ای از حساس ترین موقعیت های خود واقع شده است. حمله به نیروهای انقلابی مرتجعین و عوامل ریز و درشت امپریالیسم بر علیه این مبارزه واقع می گیرد و در حمله به مجاهدین خود نیز ضد انقلاب می گیرد. دفاع و پشتیبانی از دانشجویان در این شرایط حساس، مضاعف بر حساسیت سیاست ضد انقلابی است که از همه سو با ارتجاع مذهبی خلاف با "شورای انقلاب" ضد انقلاب، با بازرگان و همالگی های رئیس بر علیه این جریان مبارزاتی و بر علیه انقلاب را به پیش می آید، مشاهده.

در این موقعیت، همه نیروهای ناسیونالیست و انقلابی که با دیدگاه دیالکتیک به انقلاب دچار آشفتگی شده اند، نیروهای انقلابی که با درسی در گذشته، جریان استقلال مبارزه را "توطئه ای" می دیدند، با ضرورت دوباره یافته اند که عکس بدهند نیروهای مبارزه و ضد انقلابی دست بدست هم داده اند تا این مبارزه را با بسیج آنها "توطئه" را خفه کنند و یک نیرو عملشان در این مورد سردار دانشجویان هستند. آیا زمان آن نرسیده است که در مقابل این نیروی ضد انقلابی، به دفاع از دانشجویان با همه کمبودها و انحرافات بایستیم؟ تا اینکه

بقیه در صفحه ۷

بیاد شهید ...

و مبارزه با رژیم استبدادی او بکوشد در چهارچوب نیروهای سیاسی و اسلامی تشکیل دهد و سپس در مبارزات خود جهت آگاه شود. او منتظر "نیروی سیاسی انقلاب" نماند که راه وجود دارد در آن هم شرکت مستقل طبقه کارگر و تشکیل نیروی سازمان مخصوص به خود بدهد".

دارویش تا رژیم ... آگاه و کمونیستی انقلابی بود. او به مبارزات ضد ارتجاعی ... با ورشکاست. شکست ... مردم بود ... آنها ... با آنها ... ارتباط ... و تعالیت بود در ... سازمانهای رحمتکشان و طبقه کارگر ایران بود. او از دانشجویان این طبقه ... بود و ... و ... می ... این طبقه ... و ... بود، او از طبقه کارگر ... بود و ... را بر ... به آنها ...

دارویش در روزهای اوج انقلاب در ارتباط با ... وطاشی ... داشت ... تا انقلاب ... ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ ... بهمن ... در ... بیرون ... بیشتر ... و ... او ... مسلحانه ... ۲۱ بهمن در ... هوائی ... می ... در روز ۲۲ بهمن در کنار ... بود و ... را در ... در ... در ... انقلابی و کمونیست ... در این ... با ... طبقه کارگر ... بود. او در این حمله ... انقلاب را ... داشت ... انقلاب ... طلاب ... رسید و در کنار ... انقلابی و کمونیست ... در این ... با ... طبقه کارگر ... بود.

رفیق شهید دارویش ... گرد "مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" بود. ... گوناگون ... و ... او ... را در ... ضد ... مبارزه ... آزادی طبقه کارگر بود و شهادت ... مبارزه ... بلکه ... ادامه ... آن بود. انقلابیون ... آرمان و ... در ... و در ... و ... ظلم و ... و ... طبقه کارگر ... بود، ... دلها ...

اطلاعیه ...

۱۲ بس از اعلامیه شهروندان چین ۲۲ سفر از پاسداران و حاشیه کشیده شده اند. در گریبهای ۳ روز از طرف ساواک و طلبه حوالی بروجرد شب ناخوشایند و هم اکنون در مناطق تسلای و مخصوص موری طلبه و مسجد است و روستاهای اطراف در معرض توپ و حمله پاسداران میباشد. پاسداران سیاه رنگ دیوانه در بیسروی کرده اند و عده ای از بیسرکان را در محل "تماس" حاضر و دو تن از آنان را رحمی و سرانجام با تحائداشتن ۵ کسبه عقب نشینی کرده اند. در سلماس آذربایجان نیز برخوردهای مسلحانه در گرفته است.

این سلسله وقایع همراه با سازی تواند دیگر از جمله استخدام نیروی دوران تبادله دوست، دستگیری بیش از ۲۰۰ سفر از درجه داران کرد در سنندج و سقز ۷۰۰ سفر از پرسنل ژاندارمری کردستان با نیروی موظفه جدیدی برای تحصیل جنگ به کردستان است. هم اکنون مردم مبارز سنندج پس از پیروزی در جنگ مبارزه طولانی و غیرمساوی با نیروهای کاپیتالیستی که بدست دانشهای معلوم الحال آغاز شده بود، بسمت بدخیجان آمده اند. هیئت نمایندگی خلق کرد که با اجرای توافق سنندج و انتظار خروج پاسداران ارتش از مناطق و مبادله زندانیان و پارکینگ سنندج با امنیت و بود محیط مناسب برای ادامه مذاکرات فراهم گردد با نگرانی تدبیر اوضاع کنونی را بررسی کرده و اعمال آشوبگرانه پاسداران و جاسوسان و توطئه های عناصر هیئت طلب را محکوم میکند. ما مارد بیشتر تاکید میکنیم که خواهان پایان دادن به درگیری ها بوده و برای پایان ادامه مذاکرات و راه حل سیاسی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم ورزید. هیئت نمایندگی خلق کرد طی مذاکراتی که حضور با مرجعیت، خطیر بودن اوضاع را خاطرنشان ساخته و از ایشان خواسته است تا دستور قاطع مبنی بر پایان دادن به درگیری های موجود را صادر نمایند. ما از جنب و برد دولت خواستاریم که اوضاع خطیر و مشخص کردستان را با احساس مسئولیت در نظر گرفته و برای جلوگیری از تحدید حیث و برادرکشی با استفاده از احساسات کشوری و لشکری موجود اسپای فوری زیر را مورد توجه جدی قرار دهد:

۱ ـ تمام درگیری های موجود سریعاً پایان داده شود.

۲ ـ پاسداران از مناطق کردستان طبق توافق خارج گردند.

۳ ـ تمام زندانیان و گروگانهای اسیر ارتش به کردستان داده شود و مبادله زندانیان عملی گردد.

هیئت نمایندگی خلق کرد

۵۸/۱۱/۱۱

*

مسئول حمله ...

۳ـ حمایتهای دولت و شورای انقلاب. ۴ ـ تبلیغات های مردور و برخی از پاسداران و ده ـ عده ای از روحانیون متعصب و مرتجع، مانند روحانی ای که اخیراً در کرمانشاه ادا ... مردم را "کمونیست کشی" تحریک کرده و حتی میگفت چه تعداد کمونیست در کردستان را ... کنیم !!!

مردم شهرمان ایران! نیروهای مبارز و مترقی! آگاه باشید که میخواهند جنگی خانمانسوز را ... علیه خلق ... را در کردستان ... کنند. ... وطنه ... و ... ادعاهای ... و ... آورند.

این سیاست و محرکان آنرا افشاء و مسترد کنید.

*

... بحث ... را ... را ادامه ... و ... شهدای انقلاب ... و ... شهید ... را ادامه ... انقلاب ... نیروی سیاسی ... و ... خاطر ... و ... نموده باد.

رفیق شهید دارویش ... در حمله ۲۲ ... ۱۳۵۷ ... رهبران ... شهدای انقلاب ... ولاله سرخی ... ولاله ... شهدای انقلاب.

*

www.iran-archive.com

انتخابات ...

همه آن نیروهائی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری شرکت جستند و جریانی اعزوم بر آنها، خود را برای این دور ارزیابی آماده کرده‌اند.

"شورای انقلاب" طی جلساتی مطالعه و تصویب این انتخابات را تعیین کرد و با انجام کار، حضور قانونی برای شرکت نمایندگان نیروهای انقلابی نگذاشت و حتی چهره‌های معلوم الحالی با سابقه‌ای ورشکستگی سیاسی فاقد "دمکرات" نشود گرفته و از آزادی شرکت هرکس "با هر مرام و ایدئولوژی و مسلک" دم زده‌اند. اینکه فرداً چه موانعی علم کنند، هنوز معلوم نیست. لائی "شورای انقلاب" برای ادامه کار در آوردن این انتخابات از هم اکنون نقشه خود را آشکار ساخته است. برای نمونه قرار است انتخابات در تهران، منطقه‌ای و دو مرحله‌ای باشد. یعنی میخواهند تهران را به ۲۴ منطقه تقسیم کنند و هر منطقه یک نماینده بدهد و رای گیری سه دو مرحله‌ای باشد. هدف "شورای انقلاب" از منطقه‌ای کردن انتخابات در تهران، بدام انداختن و در آوردن نمایندگان تهران و سلب امکانات نیروهای انقلابی میباشد. این شیوه انتخابات، از هم اکنون موج وسیع مخالفت، چه در میان خودشان و چه از جانب نیروهای انقلابی و مترقی را برانگیخته است و این مخالفت‌ها گسترده‌تر نیز خواهند شد. گرچه "شورای انقلاب" فعلاً طرح منطقه‌ای شدن انتخابات را پس گرفته است، لاکن دو مرحله‌ای بودن و همچنین این اصل که هر نفر میتواند در چهار به ۲۴ نفر رای بدهد و در نتیجه یک اکثریت بعلاوه یک میتواند همه نمایندگان را بدهد بجای خود باقی مانده که نشانگر محدودیت‌های ضد دموکراتیک حاکم بر این انتخابات می باشد.

انتخابات مجلس شورا، باید آزاد، مستقیم و مخفی باشد و ما نمی‌توانیم هیچ محدودیتی را در این زمینه‌ها بپذیریم و نخواهیم پذیرفت.

مجلسی که قرار است تشکیل شود، به حکم احساساتی که قانون اساسی مصوب "مجلس خبرگان" به آن داده است، مجلسی با اختیارات کامل نخواهد بود. این مجلس از یکسو در چهارچوب ضد انقلابی قانون اساسی محصور است و از سوی دیگر در اثر خود "شورای نگهبان" را دارد که هر آن میتواند مصوبات این مجلس را وتو کرده و آنها را بی‌اعتبار بدانند. اما همانطور که ما در "حقیقت" شماره ۵۰ - ۲۶ آذر ۵۸، یادآور شدیم، "تواله سیاسی بدون نیروهای اجتماعی مدافع آنها ارزشی ندارد. نیاز دشمن قانون مصوبه مجلس خبرگان محتاج حاکمیت آن نیروهائیست که نمایندگان اصلی بدون آن می باشند. هر نیروی دمکرات جز اینها به قدرت برسد و هر سیاستی در توازن قوای طبقاتی جامعه تاثیر مستقیمی در چگونگی ادامه آن در این قانون خواهد داشت... قوانین تعیین کننده قدرت سیاسی نبوده و بلکه نوشته کننده آن میباشند و بر حسب آنکه چه نیروهائی در راس هرم قدرت سیاسی نشسته باشند و چه توازن قوائی میان نیروهای شرکت کننده در قدرت سیاسی موجود باشد، این قوانین نقاب سیر کوتاهی می باشند. در نتیجه عرصه اصلی تعیین کننده مبارزه، میدان نبرد طبقاتی توده‌ها و تغییر و تبدیل این قانون نیز تابعی از این نبرد و توازن قدرت طبقات و اقشار مختلف خواهد بود" (حقیقت ۵۰ مقاله "قانون اساسی و متمم آن"). در شرایطی که هیئت حاکمه گویی ایران یکپارچه و یکدست نبوده و تشتت شده نیرومند و مبارزه بر سر قدرت سیاسی کشاکش چه در درون آن و چه از بیرون آن ادامه دارد، گفته بالا چه در ارتباط با "تغییر در توازن قوای طبقاتی جامعه" و چه "توازن قوای میان نیروهای شرکت کننده در قدرت سیاسی" محتاج بازهم بیشتری می باشند و عرصه‌ای را در برابر طبقه کارگر قرار می‌دهند که نمیتوان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. ما در همان شماره "حقیقت" با توجه به شرایط بالا نوشتیم، "طبقه کارگر در مبارزه برای آزادی و استقلال و دموکراسی، در مبارزه برای به سرانجام رساندن انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی تا سرنگونی، در مبارزه برای کسب حقوق خود و همه اقشار و طبقات مترقی بدهیچ رو نباید به رفرم‌ها و امتیازات و متمم‌های هیئت حاکمه چشم امید بدوزد و از آنها انتظار رهائی خود و خلقها را داشته باشد. طبقه کارگر در این مبارزه باید به وحدت انقلابی خود تکیه کرده، دهقانان را با خود هم‌پیمان سازد و سایر اقشار مترقی جامعه را نیز به این مبارزه بکشاند. لاکن جامعه یک مسئله مستقیم و اطلی نمیکند و طبقه کارگر باید بتواند همه انتقادات، همه پیچ و خم‌ها و همه حوادث را بسود خود و انقلاب بکار گیرد. اگرچه عرصه کشاکش بر سر متمم قانون اساسی را عرصه اصلی مبارزه خود نمیداند و به آن بسر خشم شده و حمله، لاکن باید از این عرصه سر سودا انقلاب و اهداف و طرد ضد انقلاب و جریانات سازشکار و مماشات جو و حتی سکتاریسم ساده لوحانه دور نگذارد. این عرصه به حال خود بوادگی محاصل حاکمه خلاصه نشده، توجه مردم و مرفاً به خواستهای این یا آن جناح جلب شود. طبقه کارگر باید بر جرم مستقل خواستهای خود و همه زحمتکشان و مردم ستمدیده و آزادیخواه را برافراز..." (همانجا)، از اینرو شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی در شرایط کنونی اصولی، صحیح و ضروری است. هدف ما از شرکت در این انتخابات، صرفاً استفاده از وسائل تبلیغاتی نیست، اگرچه این نیز از اهداف ما در نظر دارد، لاکن نیز از اهداف ما، شرکت فعال در مبارزه است که بخشی از کشاکش طبقاتی جاری در جامعه ما بوده، ارتباط مستقیمی با توازن قدرت نیروهای طبقاتی چه در درون قدرت سیاسی و چه خارج از آن دارد. تا کسی که صرفاً از زاویه اقشار گری به این عرصه وارد شود، صرفاً درک محدود و نادرست خویش را از اوضاع کنونی جامعه، صف بندی و آرایش و مبارزه طبقاتی جاری در آن بدست نرسانده، طبقه کارگر را از انجام رسالت تاریخی اش باز میدارد.

اما حتی به میزان در این انتخابات فعال بود و بر آن تاثیر عملی گذاشت؟ بدون پاسخگوئی به این سئوال، همه گفته‌های دیگر بی‌ارزش و در حد اعلام موضع خواهند بود. جنبش کمونیستی ما، جنبشی است پراکنده. این جنبش گرچه از پتانسیل و خواستاران فراوانی برخوردار است، لاکن پراکندگی اش، امکان استفاده از این پتانسیل را از او سلب کرده نیروهایش را به هدر میدهد. اینکه در این مبارزه، هر گروه و سازمانی بیاید و یکی دو کاندیدا معرفی کند و برای کنده‌ئی موجود را به سامان بگذارد، اصولی و صحیح نبوده، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. نیروهای ما باید متحد و یکپارچه شوند. اما این نیز کافی نیست، زیرا پس از ادغام جامعه، نیروهای دمکرات انقلابی موجودند که در بسیاری موارد با خواستهای انقلابی طبقه کارگر همراهی نشان میدهند. حتی متحد ما باید این نیروها را نیز در بر گیرد. اما این نیز کافی نخواهد بود، زیرا در برابر ما، از یکسو صف بندی نیروهای ارتجاع و امپریالیسم (مدنی و نظامی) و از سوی دیگر دو دسته‌های ضد انقلابی "نهضت آزادی" و "حزب جمهوری اسلامی" قرار دارند، که در کنار علیه یکدیگر و بویژه علیه نیروهای انقلابی و مترقی، میکوشند جغوب خود را گسترش داده، با دامن زدن به کار زارهای ضد انقلابی، شیوه مردم را سوی خود بکشانند و از تخصیص‌ها و نیروهای بیاسیی سود برند. حتی متحد ما، باید این امکان را از آنها سلب کرده، مترقی‌شان را به انقلابی بکشاند و همه گوش‌های ضد انقلابی آنها را عقیم گذارد.

پس شرکت فعال در این انتخابات و گذاردن یا نیز عملی در آن، نه رابطه‌ای مستقیم با نیروهای قوای طبقاتی در سطح کشور دارد، به معنی ایجاد یک جبهه متحد و وسیع از عرصه آن نیروهائیست که میتوانند خواسته‌های به حق مردم را بیان کرده، در سطوح مختلف برای آنان مبارزه نمایند. پس باید جمع سوم و براساس یک کار پایه‌ای که در برگیرنده خواستهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلقهای ایران باشد، با ائتلاف معینی را اعلام نمائیم و در حد توان خود در این عرصه از مبارزه تا پیروز گذاریم. ما میخواهیم خود از همه نیروهای انقلابی و مترقی، در این راه دعوت بعمل میآوریم.

✲

موضع حساس ...

با زهم اینگونه نیروها میخواهند دست روی دست بگذارند و از آن بدتر منظور و مترصد فرصتی هستند تا این مبارزه به نتیجه نیانجامد (یعنی گروگانها بدون باز پس گرفتن شاه آزاد گردند) و آنگاه با علم و کتل بیرون بیایند و فریاد بزنند که، "دیدید این مبارزه راه به جائی نمیتوانست ببرد!" آن موضع به این نیروها هیچ جهت نمیتوان گفت جز آنکه در عمل در کنار "شورای انقلاب" برای شکست این مبارزه به دعا مشغول بوده‌اند! از این دام باید پرهیزید!

پیرامون ...

بدیهی است در این مرحله وحدت بین گروهها و جریاناتی تحقق خواهد یافت که به مشی و برنامه پرولتری برای ایجاد حزب برسند.

✲

www.iran-archive.com

سیاست ارضی ...

بدین ترتیب بجای متحد نمودن دهقانان در مقابل فئودال ها، بعد از مدتی تضاد آنها را ادامه خواهد داد، چه آنوقت در جامعه روستائی ما، تعدادی از دهقانان مالک زمین بوده و تعداد وسیع تری کداکثریت باشند مالکیت بر زمین نداشته و دوگانگی در مالکیت در میان دهقانان، علاوه بر نتایج اقتصادی حاصله از آن، نتایج سیاسی - اجتماعی ناگواری را بدنبال داشته و به صف متحد و یکپارچه دهقانان در مقابل امپریالیسم و بقایای داخلی آن، از جمله در مقابل فئودالیسم و سوبسیدی بورژوازی کمپرادور که بنا به طرح نابود شده و در جامعه بصورت خرده مالک بوده و بوظیفه احیای فئودالیسم و سرکوبی دهقانان را در سر می پرورانند، ضربه زده و در آن شکاف می اندازد. چه نیروی در شرایط فعلی یک ستاد رهبری کننده طبقه کارگر، کشیده شدن دهقانان صاحب زمین و مبارزه حال و مرفه (و حتی لایه های کوچکی از دهقانان فقیر که مالک اند) بر سر مرحله فئودال محصل و ممکن خواهد بود. در نتیجه تداوم مالکیت زمین بدهقانان در این شرایط و همچنین ایجاد دوگانگی نمودن بر سر مالکیت های دهقانی نه تنها این طرح و نبرد مالکیت دولت طرح صحیح نیست. این طرح در حقیقت ما را با دو طرح اجرائی "ملی کردن زمین ها" ارائه شده توسط برخی از گروههای چپ می اندازد. طرح "دولتی کردن و یا ملی کردن زمین ها" آنهم با این ترکیب طبقاتی کنونی هیئت حاکمه، یعنی سپردن مالکیت بر زمین بدست بورژوازی و فئودال ها در مقابل سپردن مالکیت بر زمین بدست خرده بورژوازی انقلابی که دهقانان بی زمین و کم زمین اند و هیچ معنی دیگری نمی دهد. طبیعی است که اداره کردن تعاونی و دست جمعی زمین توسط دهقانان باقی مالکیت خصوصی می بایستی تحمیل گردانده شود و از هم متلاشی شود. در مورد اداره کردن جمعی و تعاونی می بایستی این امر بعهده خود دهقانان و نیروهای دهقانی واگذار شده و نباید بصورت اجباری درآید. در برخی از مناطق ایران که نمونه بهره برداری جمعی سال ها رایج بوده است و بیدندی زمین مرسوم بوده، اینکار میتواند بسهولت صورت گردد. در سایر نواحی می بایستی با تحلیل مشخص از آن ناحیه و با توافق دهقانان اینکار صورت پذیرد و گرنه عواقب ناگوار برای انقلاب در پیش خواهد داشت.

دومین نکته، بر سر ترکیب هائی است که می بایستی تقسیم زمین را نظارت و رهبری کند. این ترکیب می بایستی بطور عمده از نیروهای دهقانی مناطق و از میان دهقانان کم زمین و بی زمین ریشه گیرد تا بتواند منافع این دهقانان را در تقسیم زمین منعکس کند. در حالیکه هیئتی که بر این امر نظارت و رهبری میکند بطور کلی در برگیرنده این اصل نبوده و در درجه اول متکی بدستگاه های اداری دولتی طاغوتی باشد و در درجه بعدی متکی به نیروهای حکومتی متولد شده بعد از انقلاب که در سرشت خالص (و نه لزوما در اکثر موارد) در برگیرنده طرفداران این طرح بوده و در درجه آخر متکی به معتمدین محل میباشد. "معتمدینی" که حتی لفظ این آوای ناخوشی را برای دهقانان در سالیان دراز داشته چه برسد به ترکیب آن که عموما از عوامل ارباب و مدد دهقانی بوده اند. با این ترکیب "هیئت تقسیم کننده" که متکی به دهقانان کم زمین و بی زمین نیست، در عمل بطور کلی نخواهد توانست تقسیم زمین مابین دهقانان را بنحوی که حق طرح فوق انجام دهد.

سومین نکته بر سر خرده مالک شدن فئودال کنونی و نیمه کنده است که زمین ها بتدریج میشود خرده مالک کردن آن ها که در مبنای این طرح صورت می پذیرد بنظر ما می بایستی تحت شرایط معینی انجام گیرد. اول آنکه اینان می بایستی از نظر سیاسی در همکاری با امپریالیستها و عواملشان (از جمله هم مسلکانشان) برداشته باشند. دوم آنکه در زمین هایشان نیروهای استثماری فئودالی، و بطور مشخص مزارعه را اعمال نکرده و یک کلام دست از استثمار فئودالی بردارند. سوم آنکه خرده مالک کردن اینان در مقابل دادن زمین به دهقانان کم زمین و بی زمین نبوده و در محل مربوطه محدودیت زمین برای دهقانان ایجاد نکند.

بدین ترتیب خرده مالکی کردن فئودالهای کنده و نیمه کنده باید منطبق با اصول یاد شده فوق بوده و در حد صاحب زمین شدن هر نوع پایه مادی برای احیای فئودالیسم باشد.

ما در اینجا خود را محدود به بررسی یک کتاب مهم از رساله "تقسیم زمین" در طرح ارائه شده توسط رضا اشتهاری نمودیم و بررسی سایر موارد این طرح را که مربوط به تقسیم زمین بوده به موقع دیگری واگذار می کنیم. چه از نقطه نظر ما حل مسأله ارضی در روستاهای کشورمان، در مرحله محدود به مسأله تقسیم زمین (حتی با سیاست و مشی درست پرولتری که مورد نظر ما است) نمیگردد، بلکه باید به حل مسأله آب، مسأله رباخواری و دلالی مسأله بازار داخلی و غیره برای روستائیان پرداخته و در این موارد نیز سیاست و راه حل صحیحی ارائه نماید. چه اگر نتوانیم فئودالی روستاهای ما بطور عمده بلشویکی است از مسأله استثمار فئودالی با استثمار سرمایه داری - دلالی که دست در دست هم وابستگی دهقانان را بزمین همچنان حفظ نموده و مانع عمده در راه رشد روابط سرمایه داری در روستاهاست. در هر حال همانطور که تقسیم در اینجا بر مرکز بر روی مسأله تقسیم زمین گذارده ایم و نقشه موارد را در آینده مورد بررسی قرار میدهیم، چه برخورد به "مسأله زمین" نیز مطلب هم در رابطه با دهقانان است و هم در رابطه با تحلیل حاکم کنونی و بالاخره هم در رابطه با صاحب کنونی جنبش کمونیستی میهن مان در مورد مسأله ارضی.

در هر حال برگردیم به بحث اصلی، در مورد برنامه ارائه شده توسط رضا اشتهاری. این برنامه تا آنجا که بر تکوین روابط فئودالی (مزارعه و امثالهم) تکیه بزرگ ما - لکی و بالاخره واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین را در بر دارد مورد تشابهی با طبقه کارگر میهن مان و دهقانان بی زمین و کم زمین است و در نتیجه مورد تشابهی ما، ولی از آنجا که برنامه دارای انحراف در مورد مسأله مالکیت های دهقانی است، نیروهای دهقانان فقیر (بطور عمده بی زمین ها) را کاملا منعکس نکرده و منافع آنان را بخوبی در بر نمیگیرد، مورد انتقاد طبقه کارگر و بویژه دهقانان فقیر میهن ما است و در نتیجه مورد انتقاد ما. بدین جهت در شرایط کنونی برخورد ما به جریان رضا اشتهاری و طرح ارضی آن تشابهی مشروط است: یعنی همراهی با این "جریان" بهمراه طرح کردن و وارد کردن دیدگاه سپهر سرداری جمعی سال ها رایج بوده است و بیدندی زمین مرسوم بوده، اینکار میتواند بسهولت انجام داده گردد. در سایر نواحی می بایستی با تحلیل مشخص از آن ناحیه و با توافق دهقانان اینکار صورت پذیرد و گرنه عواقب ناگوار برای انقلاب در پیش خواهد داشت.

دومین نکته، بر سر ترکیب هائی است که می بایستی تقسیم زمین را نظارت و رهبری کند. این ترکیب می بایستی بطور عمده از نیروهای دهقانی مناطق و از میان دهقانان کم زمین و بی زمین ریشه گیرد تا بتواند منافع این دهقانان را در تقسیم زمین منعکس کند. در حالیکه هیئتی که بر این امر نظارت و رهبری میکند بطور کلی در برگیرنده این اصل نبوده و در درجه اول متکی بدستگاه های اداری دولتی طاغوتی باشد و در درجه بعدی متکی به نیروهای حکومتی متولد شده بعد از انقلاب که در سرشت خالص (و نه لزوما در اکثر موارد) در برگیرنده طرفداران این طرح بوده و در درجه آخر متکی به معتمدین محل میباشد. "معتمدینی" که حتی لفظ این آوای ناخوشی را برای دهقانان در سالیان دراز داشته چه برسد به ترکیب آن که عموما از عوامل ارباب و مدد دهقانی بوده اند. با این ترکیب "هیئت تقسیم کننده" که متکی به دهقانان کم زمین و بی زمین نیست، در عمل بطور کلی نخواهد توانست تقسیم زمین مابین دهقانان را بنحوی که حق طرح فوق انجام دهد.

سومین نکته بر سر خرده مالک شدن فئودال کنده و نیمه کنده است که زمین ها بتدریج میشود خرده مالک کردن آن ها که در مبنای این طرح صورت می پذیرد بنظر ما می بایستی تحت شرایط معینی انجام گیرد. اول آنکه اینان می بایستی از نظر سیاسی دست از همکاری با امپریالیستها و عواملشان (از جمله هم مسلکانشان) برداشته باشند. دوم آنکه در زمین هایشان نیروهای استثماری فئودالی، و بطور مشخص مزارعه را اعمال نکرده و یک کلام دست از استثمار فئودالی بردارند. سوم آنکه خرده مالک کردن اینان در مقابل دادن زمین به دهقانان کم زمین و بی زمین نبوده و در محل مربوطه محدودیت زمین برای دهقانان ایجاد نکند.

بدین ترتیب خرده مالکی کردن فئودالهای کنده و نیمه کنده باید منطبق با اصول یاد شده فوق بوده و در حد صاحب زمین شدن هر نوع پایه مادی برای احیای فئودالیسم باشد.

ما در اینجا خود را محدود به بررسی یک کتاب مهم از رساله "تقسیم زمین" در طرح ارائه شده توسط رضا اشتهاری نمودیم و بررسی سایر موارد این طرح را که مربوط به تقسیم زمین بوده به موقع دیگری واگذار می کنیم. چه از نقطه نظر ما حل مسأله ارضی در روستاهای کشورمان، در مرحله محدود به مسأله تقسیم زمین (حتی با سیاست و مشی درست پرولتری که مورد نظر ما است) نمیگردد، بلکه باید به حل مسأله آب، مسأله رباخواری و دلالی مسأله بازار داخلی و غیره برای روستائیان پرداخته و در این موارد نیز سیاست و راه حل صحیحی ارائه نماید. چه اگر نتوانیم فئودالی روستاهای ما بطور عمده بلشویکی است از مسأله استثمار فئودالی با استثمار سرمایه داری - دلالی که دست در دست هم وابستگی دهقانان را بزمین همچنان حفظ نموده و مانع عمده در راه رشد روابط سرمایه داری در روستاهاست. در هر حال همانطور که تقسیم در اینجا بر مرکز بر روی مسأله تقسیم زمین گذارده ایم و نقشه موارد را در آینده مورد بررسی قرار میدهیم، چه برخورد به "مسأله زمین" نیز مطلب هم در رابطه با دهقانان است و هم در رابطه با تحلیل حاکم کنونی و بالاخره هم در رابطه با صاحب کنونی جنبش کمونیستی میهن مان در مورد مسأله ارضی.

در هر حال برگردیم به بحث اصلی، در مورد برنامه ارائه شده توسط رضا اشتهاری. این برنامه تا آنجا که بر تکوین روابط فئودالی (مزارعه و امثالهم) تکیه بزرگ ما - لکی و بالاخره واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین را در بر دارد مورد تشابهی با طبقه کارگر میهن ما و دهقانان بی زمین و کم زمین است و در نتیجه مورد تشابهی ما، ولی از آنجا که برنامه دارای انحراف در مورد مسأله مالکیت های دهقانی است، نیروهای دهقانان فقیر (بطور عمده بی زمین ها) را کاملا منعکس نکرده و منافع آنان را بخوبی در بر نمیگیرد، مورد انتقاد طبقه کارگر و بویژه دهقانان فقیر میهن ما است و در نتیجه مورد انتقاد ما. بدین جهت در شرایط کنونی برخورد ما به جریان رضا اشتهاری و طرح ارضی آن تشابهی مشروط است: یعنی همراهی با این "جریان" بهمراه طرح کردن و وارد کردن دیدگاه طبقه کارگر و بویژه دهقانان فقیر میهن ما بر این طرح.

در شماره آینده نظرات انحرافی درون جنبش چپ را به بحث خواهیم کشید.

- ادامه دارد -

سرده نویسی ...

دهقان و سرهنگ خوانی که تا سر در سر بود ... در جامعه شهر مشغول مدم زدن بوده ... باشی ساده با سادا را را دیگر ... با سادا را ارمانی ساده ... اسلحه میخواهد به دهقان خوان ... باشد و میگفتند که از جامعه ... این سه با سادا را سر با سادا را و کشاورز ... دهقان و سرهنگ خوان در سرا سر آنها ... السامی میکند. آنها میگویند که ... با سر دهند. اما این حرفها به گوش ... این سه با سادا را جنبه کارگر و سب نظر ... سر دهقان و سرهنگ خوان در سرا سر ... سب بوده دماغ سر میخورند و با سادا را ... سر خرد و را بدرشنا و میدهند. سپاس ... دارا را ... دهقان و سرهنگ خوان ... احیا دآنها را سوار ما ... کرده ... سمارسان سهر سر بدو میگویند. ... اینها دو نفر مرا کارند که مدوم سده ... است. با سادا را ... سمارسان را سرک ... میکند و کنر کنک ... ارمعا ... دو ... جد موجه میشود که سرخوان ... رسده الاکی در ... دهقان خوان ... سیده جایی ... دکمرها ... سرمارها ... با کوسر مراوان دهقان خوان را ارسرک ... سحاب ... سمارسر ... دهقان خوان ... ارسدوس آمدن ... ماجرا را ... سده که ... اس روی سوار ... ضبط میشود. دکتر به ... با سادا را ... تلفن کرده و میگوید از این دو نفری که آورده اند، یکی ... ندا ... مسئول ... با سادا را ... دکتر میگوید "خودت کار را ... دکمرا ... سکت و ... اعتراض و محاکمه ... سمارسان را سرک ... یکی ارسادا را ... سمارسان ... رسه، دهقان خوان را روی ... سمارسان ... را ... با سادا را ... حساب ... مرا ... عامل ارایکه دهقان خوان ... ار سرک ... جیر را ... مردم ... ارسی ارمعصب ... مطلع ... با سادا را ... حساب ... را ... شود.

این ... هولناک ... بدون ... ما ... مردم آزاده ایران ... آنها ... بشناسی ... حساب ... را ... و محاکمات ... کنند.

✽

دستاوردهای قیام

روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در تاریخ ملت ما، روزهائی فراموش‌نشدنی و تاریخ‌ساز هستند. در تاریخ هر ملتی روزها و لحظاتی هستند که تاریخ را ورق می‌زنند. این روزها و لحظات که خود محصول یک دوران تکامل تاریخی هستند، به حکم جایگاهشان و رسالتی که بر دوش دارند، در تاریخ ملت‌ها فصلی را می‌سازند و فصل نوینی را می‌گشایند. روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، در تاریخ ملت ما چنین جایگاهی دارند و با اندوخته‌ای از رزم مبارزات مردم ما خواهند درخشید.

تکامل تاریخ حکم می‌کند که تغییرات کمی در مرحله‌ای از تکامل خود به یک جهش به تغییرات کیفی مبدل شوند. این حکم همانطور که در باره همه پدیده‌های طبیعت صادق است، در مورد مبارزه طبقاتی و تحولات جوامع بشری نیز صادق می‌باشد. قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن، مصادف شود، محصول طبیعی و اجتناب ناپذیر مبارزه‌ای بود که مردم ما از سالها قبل بر علیه رژیم خودفروخته پهلوی انجام می‌دادند. قیام بهمن، آن چنانی بود که تغییرات کمی را به یک کیفیت جدید مبدل ساخت.

قیام بهمن ماه، محصول یک دوره تاریخ و سرآغاز دوره جدیدی از تاریخ ملت ما می‌باشد.

در ۲۱ بهمن همافران نیروی هوائی پادگان نیروی هوائی، در برابر حمله وحشیانه مزدوران گارد جاویدان به مقاومت مسلحانه برمی‌خیزند. حتی در تهران پیچید: "همافران در محاصره نیروهای گارد قرار گرفته‌اند"، "بکمک همافران بشتابید". انبوه جمعیت و راستان جوانان و نیروهای انقلابی بسوی پادگان نیروی هوائی سرازیر می‌شوند. قیام بالا می‌گیرد. همافران و انقلابیونی که پیاپی شناخته بودند، با وجود برتری نظامی مزدوران گارد، حمله‌آنان را درهم می‌شکنند و مقاومت، حمله تهاجم بخود می‌گیرد. حکومت نخست برای درهم شکستن این مبارزه و قتل عام همه قیامگران اعلام می‌دارد که از ساعت ۴ بعد از ظهر به بعد، قانون منع عبور و مرور را خواهند شد. مردم نمی‌پذیرند. جمعیت بی‌سلاح دسته دسته بطرف پادگان همافران روان هستند، راه‌بندان‌ها و سنگرها برپا می‌شود. در میان جمعیت پرسعداد انقلابیون مسلحانه فرود می‌شود. برخی از طرف پادگان مسلح شده‌اند و برخی از نیروهای انقلابی مسلح هستند. همه بدنبال تفنگ‌اند. با حضور وسیع جمعیت در خیابانها برنامه و توطئه منع عبور و مرور شکست می‌خورد. مبارزه با صبح ادامه دارد. ۲۲ بهمن می‌رسد. قیام بالا می‌گیرد. پادگان‌ها یکی پس از دیگری بدست قیامگران سقوط می‌کنند. عشرت‌آباد، جمشیدیه، حی و ... کلانتری‌ها نیز بهمین ترتیب بدست انقلابیون می‌افتند. پادگان‌ها با خون سخن می‌شوند. صدها شهید و هزاران زخمی. رادیو و تلویزیون بر سر صرف می‌شود. شهران یکپارچه آتش و خون و قیام است. کاخ‌های شاه و در برابر بدست انقلابیون و قیامگران شهرمان گشوده می‌شوند. سران ارتش در مانده‌اند. فرار مزدوران گارد جاویدان، بخش‌های دیگر ارتش کمتر مقاومت می‌کنند. بسیاری از پادگان‌ها میگریزند و بدست قیامگران می‌افتند. ستون اصلی ارتجاع، ارتش شاهنشاهی، سرگرم برداشته است و می‌رود تا درهم شکسته شود. سران ارتش به دست و پا می‌افتند. سازشکاران هم بدست و پا می‌افتند. قیام همه محاسبه‌ها را برهم زده است. سران خودفروخته و خائن تکاپو ارتش "اعلام بیطرفی" می‌کنند. سازشکاران هم در همه جا در برابر مشوف قیامگران ایستاده، به این بهانه، از درهم شکسته شدن سازمان‌های ارتجاع جلوگیری می‌کنند. قیام بسیاست گام بگام جراب بورژوا لیبرال را برهم زده و در دوروز حدها گام به پیش برداشته است. اما قیامگران هنوز "رهنمود"های سازشکاران را بسی پذیرفتند. در دانشگاه تهران و سایر مناطق جوانان تعلیمات نظامی می‌بینند. مراکز دیگری از ارتجاع و ساواک تسخیر می‌شوند. دولت با ارگان‌ها در صدد قیام برای مسلح شکاب میاندازد و با شکست برخی از آنها، بخش دیگر را از ادامه یورش علیه مراکز ارتجاع باز میدارد. آنها بوده انقلابی را در مقابل یکدیگر قرار میدهند. بمردم میگویند کار تمام شده است. ارتش تسلیم شده و کشت و کشتار کافیست. شهرهای دیگر دیرتر از تهران به قیام برمیخیزند. در تبریز زبانی مردم بر سر پادگان‌ها یورش می‌برند که دولت و ارتش با همه اعلام همبستگی کرده، از یکدیگر حفاظت می‌کنند. رادیو و تلویزیون از بخش احضار مسلح از شهرستان‌ها و بوسیله شهدای تبریز خودداری می‌کند و بعد می‌گوید تصویر یک عامد آرام را بمردم عرضه کنند. قیام فروکش میکند.

قیام بهمن ماه، گرچه مدتی بیش از دو روز طول نکشید، اما بزرگ‌ترین و انقلاب ما با تیری بس عظیم بجا گذاشت. قیام رژیم سلطنتی استبدادی محمدرضا شاهی را سرنگون کرد و طومار ۲۵۰۰ سال حاکمیت شاهان را درهم پیچید. قیام ضربت سیاسی متمرکز در برابر پهلوی را درهم شکست و برنامه‌های اساسی این رژیم غربی بسختی وارد ساخت. قیام همه مبارزات دو ساله گذشته را یکجا در خود متبلور کرد و بیشتر ارتجاع و امپریالیسم را بدای مواجهت گذشته‌ها در برابر خواست نیروهای انقلابی بخواهند برد. اما قیام نتوانست پیروزی نهائی را در آغوش کشد و آنرا در نیمه راه متوقف ساخت. اینکه قیام در مورد ادامه و یکپارچگی ملتش چه میتواند نتیجه بسیار بیاورد، مسأله‌ایست که تاریخ جواب خواهد داد. لاکن آنچه مسلم و روشن است این حقیقت میماند که نتیجه کار و ماندن قیام، با همه کمبودها بس بد مردم ما درسی داد که هیچگاه فراموش نخواهند شد: قدرت سیاسی از دهها به چوب بیرون میآید. قیامگران تهران و سایر شهرستان‌ها مبارزه مسلحانه توده‌ای را تجربه کردند و دیدند که چگونه در برابر قدرت مسلحانه آنها دژهای ارتجاع یکی پس از دیگری فرو میریزند.

قیام همانطور که قدرت توده‌ها را بنمایش گذارد، از ناتوانی او نیز پرده برداشت. قیام نشان داد که توده غیرمتشکل، هرچقدر هم که انقلابی عمل کند، نخواهد توانست پیروزی نهائی را بدست آورد. قیام نشان داد که بدون یک تشکیلات انقلابی سرتاسری، تشکیلاتی که پیرو اراده و وحدت طبقه کارگر و کارگر، دهقان استوار باشد و بتواند همه نیروهای انقلابی را زیر پرچم خویش گرد آورد، پیروزی نهائی بدست نخواهد آمد. تنها در سرتوحشتن تشکیلاتی مستد، میوه قیام را بدست قیامگران سپرد و با تخریب دژهای ارتجاع، همه ارتجاع را به زباله‌دان تاریخ روانه کرد و آنرا ریشه‌کن ساخت. ضعف توده‌های قیامگر، نقطه اتکاء سازشکاران شد و آنها با تکیه بر همین ضعف میوه‌های تارس قیام را برای خویش چیدند، بجای یک حکومت انقلابی، حکومتی محصول سازش برپا شد، حکومتی که با همین قیام و اعدام مستقیم و مستقل انقلابی توده‌ها دمخی داشت. (بقیه در صفحه ۱۲)

سرانجام ...

چنانچه در منظم بلافرم مشترک، که بدسبب موقتی بودن آن جداگانه بر مشی مجاز و اصولی ارجاب گروهها باید اعمال شود، مجموعه یک نظر واحد برسد، سلیقات براساس نظرات کنونی در اینشارات سیاسی - سلیقاتی صورت میگیرد و اقلیت میتواند نظرات خود را در ارگان‌های دیگر (مثلا نشریه تئوریک) تبلیغ نماید. در مورد گروه‌ها یا گروههائی که احیا یا اصطلاحا سازمان در مورد بلافرم آن عدم اساسی باشد که امکان شرکتشان به صورت اقلیت غیرممکن گردد لیکن با طرح حاضر موافق باشند و بخواهند در دوس مشی و برنامه و مواضع تحت نظر مرکز بیت موقت شرکت فعال داشته باشند، میتوان را دعوتی مناسب اتخاذ کرد.

- اتحاد کمیته و سرکمیته‌های تحقیق و بررسی حول مسائل گوناگون و مهم جنبش: احتمال عمده‌ترین برای انجام این منظور، متمرکز ساختن کلیه فعالیتهای تئوریک گروهها در این سمت، سمت دادن آموزش دروسی کلیه گروهها و در برنامه مدارم حول مسائل مربوط، دامن زدن به یک مبارزه ایدئولوژیک سالم و گسترده از طریق بحثها، انتشارات داخلی و نیز از طریق نشریه تئوریک سیاسی برای تدوین مواضع ایدئولوژیک - سیاسی و نیز تدوین سیاست و برنامه.

- تدوین سیاست و برنامه ریزی برای جنبش دموکراتیک و کارگری.

- تعمیم این حرکت در مناطق دیگر و تلاش در جهت همگون و همسرکردن آنها با یکدیگر از طریق شورای مرکزی، شاخه‌های گروهها در مناطق تحت مرکزیت شورای منطقه قرار میگیرند.

⋮

- پس از تدوین سیاستها، برنامه‌ها، مواضع ... توسط کمیته‌ها، و پس از انجام بحث و مبارزه در روشی و ارائه نتایج آن به جنبش و تبادل نظر با نیروهائی که در این طرح شرکت ننموده‌اند یعنی تدارک مقدماتی ایدئولوژیک سیاسی وحدت، از سازمانها و گروههای مختلف جنبش کمونیستی دعوت میشود تا با گرد آمدن در کنگره وحدت نسبت به سیاست، برنامه و مواضع اتخاذ تصمیم نموده، اقدام بتشکیلاتی لازم را بنمایند. بقیه در صفحه ۱۳

www.iran-archive.com

سخنرانی معین فرجگونه خود و هیئت حاکمه را افشاء کرد

خبر رسید که معین در روز ۲ شنبه ۱ ربیع اول بهمن ماه به منطقه آغاجاری برای بازدید از صنعت نفت جنوب می آید. شاید خیلی ها این فکر برایشان پیش آمد که حتما راجع به رسیدگی به وضعیت کارگران صنعت نفت آمده. عده ای هم فکر میکردند این سرکشی معمولی در مورد آشنائی این وزیر نازه ی "انقلابی"!! نفت با تاسیسات صنعت نفت در جنوب میباشد. ولی آمدن معین قرباآن سنگسار رباکارانه اش ثابت کرد که قصدی به رسیدگی به وضعیت با همکاری کارگران صنعت نفت جنوب بود. بلکه وی هدف دیگری داشت که در دو مطلب خلاصه میشود: اول جلوگیری از افشای گذشته اش و دوم تحکیم موقعیت کنونی اش.

یکی از میوه های سرمایه داران وابسته که از صدقه ی سر دولت سازشکار بازرگان و بازماندگان آن در "شورای انقلاب" ضد مردمی در رأس یکی از حساس ترین ارگانهای اقتصادی جامعه که رک حساب جامعه به آن بستگی دارد یعنی صنعت نفت قرار گرفته معین فرجاش و دارنده ی نشان درجه ۵ تاج از دست اعلیحضرت میباشد. وی که گذشته ی ننگینش مملو از خیانت و همکاری های ضد مردمی با دستگاه جاسوسی رژیم شاه بوده و اینک که در پست وزارت نفت قرار گرفته سعی میکند این گذشته خیانت بار اش را بپوشاند. بمنگران جنوب که بعد از مدت ۱۰ ماه کار از پیروزی انقلاب می کردند خواهان آن بودند که در صنعت نفت با کسانی از ایادی و مزدوران رژیم سابق که با سواک همکاری نزدیک بر علیه مردم داشتند عملی شود و آنها را به سنها از پست های حساس شرکت نفت معزول کنند بلکه آنها را تنبیه و محاکمه نمایند. اما همانطوری که در گذشته نزیه خائن از این کار جلوگیری بعمل آورد، معین هم تنها با این امر مخالفت برخاست و راسا عملی شدن این امر یعنی معزول شدن شخص خودش در درجه ی اول و دیگر روسای شرکت نفت بهمراه آن. از این رو معین فرجاش مزورانه دست به اقدامی زد که شاید بتواند آتش خشم بمنگران را بخصوص در جنوب خاموش سازد. وی در مقابل فشار روزافزونی که در اثر رسیدگی به وضعیت با همکاری کارگران و زحمتکشان صنعت نفت جنوب بوجود میآمد، بلکه

اخبار کارگری

از خواسته‌های بحق کارگران شرکت سادلمی دفاع کنیم

امروز سهمیه روزانه اعتصاب کارگران مبارز شرکت سادلمی (اسالیانی) بعلت ایستگاههای برق در حوزه‌ی شان برای به‌دست آوردن ابتدائی ترین خواستهای برحقشان میگذرد.

نمایندگان کارگران بعد از مذاکرات متعدد با مسئولین امر به این نتیجه رسیده‌اند که وعده و وعید نمیتواند حقوق پایمال شده‌ی آنان را به آنان بازگرداند و کارگران مصمم‌اند برای به‌دست آوردن مطالبات برحقشان مبارزه خواسته‌اند.

کارگران و زحمتکشان میهن ما در دوران رژیم خونین و ارتجاعی پهلوی و وابسته به امپریالیسم ننگ جنگ و رسوائی داشته‌اند و برای از بین بردن استبداد و فرامین ظالمانه و ضدکارگری و ضدمردمی چون برخاستن سنگرهای مبارزاتی، نتیجه‌گیها و خباثتها را بر گسترده شده و با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم و محو استثمار و خیانت به میهن را ادامه خواهند داد، زیرا ابتدائی ترین خواسته‌های کارگران و زحمتکشان میهنمان لاینحل باقی مانده است و همین عوامل که منجر اعمال نوین ضدکارگری است، کارگران شرکت سادلمی را با طرح خواستهای زیر به اعتصاب نموده است:

۱ ـ اضافه حقوق ۵۸ ـ ۵۷
۲ ـ عیدی سالانه یکماه
۳ ـ مرخصی سالانه یکماه
۴ ـ حق حواربار ۹۰۰۰ ریال در ماه
۵ ـ حق مسکن ۱۵۰۰۰ ریال در ماه
۶ ـ لغو قراردادهای محدود و بازنشستگی کارگران اعتصابی اجرا شده به‌کار
۷ ـ و غیره ....

ما کارگران بروزه‌ای آبادان اعمال شاغل و غیرشاغل که با جنبش و همبستگی روبرو هستیم تا احقاق حق خود را برای نخواهیم نشست و از مبارزات حق طلبانه کارگران شرکت سادلمی (اسالیانی) پشتیبانی، و خواستار رسیدگی فوری به وضعیت آنان و پرداخت مطالبات آنان از کارفرمای خارجی میباشیم.

"درود بر مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان سراسر ایران"
"مستحکم باد پیوند کارگران شاغل و غیرشاغل"
"مرگ بر امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی"
"همبستگی کارگران بروزه‌ای آبادان و خوزستان"

تاریخ ۵۸/۱۱/۲ ✽

در کارخانه ریسندگی و بافندگی قزلباف چه میگذرد؟

کارخانه ریسندگی و بافندگی قزلباف واقع در رشت، قزلجار در حدود ۱۵۰ کارگر دارد که در گذشته نیروی کار این کارخانه از زحمتکشان تامین میشد ولی اکنون بدلیل عدم وجود زندانی از عده‌ی این طرف کارگر استخدام کرده‌اند. بولمدار این کارخانه نیروی ارزی است ولی نیروهای شخصی نیز یافته می‌شود. مواد اولیه آن کرک و پشم میباشد که از داخل تهیه میشود. کارفرماهای این کارخانه به نام سالاری و حاجی قیروز میباشد. کارفرما برای اینکه سود بیشتری به جیب بزند و سرمایه‌ی کارگران را مثل زالو بمکد کارگران با نام کارآموز استخدام کرده است و با این کار خود یک نیرو بشان رده است یکی اینکه حقوق و مزایای عادی کارگران را نمی‌پردازد و دیگر اینکه هر موقع که بخواهد کارگران را اخراج میکند بدون اینکه حیرتی بعنوان حق اخراجی به آنها بپردازد. کارگران این کارخانه که گرانی و فشار روزمره‌ی که خود شاهد ارتباط کاری و بدنبال آن شروع بدنی است آنها را وادار کرده است که در این کارخانه با چنین شرایط نحسی کار کنند. اکثرا معلمانی از قبیل نقاشی و کارگر ساده و غیره داشته‌اند و در سن آنها بین کارگران کمتر از ۱۸ سال دیده میشود که هر کدام سرپرستی یک خانواده را بعهده دارند. این کارخانه در دو شیفت کار میکند و هر شیفت آن ۱۱ الی ۱۲ ساعت است که بطور مداوم بدون اینکه وقت نهار و یا استراحتی باشد یکسره کار میکنند. کارگران اگر غذائی داشته باشند که بخواهند بخورند باید در سر دستگاه بخورند. دلیل اینکه کارگران به چنین کاری تن میدهند اینکه مزد در این کارخانه به به‌سوء روزمردی بلکه به‌سوء کارمردی است و کارگران برای اینکه مولد بیشتری داشته باشند و پول بیشتری در ساعت گیرند یا باید بیشتر دستگرد کوچکی از زندگی خود بکنند، جا مرید بیشتر خود را اگر داشته باشند، سر دستگاه بخورند. کارگران حتی برای روغن کاری ماشینها سرآنها خاموش نمیکنند و در یک مورد در هنگام روغن کاری دست یک کارگر قطع شد و بعد از آن کارفرما او را همچون ابزاری که شکسته شده باشد و بدرد نخورد اخراج کرد. در این کارخانه اگر بیرون برود و یا دستگاه خراب شود کارگر آن روز مزدی ندارد و با بدترین وضعیت این جا نشسته و سوا نشسته باشد زیرا اگر بخواهد این یا و یک تومان بدهد با سنگ خود کار بخرم، بدرنگه آن روز ماشین کار بی خراب شده و یا بیرون کار خانه رفته است و حقوق نگرفته، بولی ندارد که بدهد. آیا اگر بیرون برود و یا ماشین خراب شود شخص کارگر چه است که آن روز را بدون حقوق نگیرد؟ آیا ما ۷۰ هزار کشته داده‌ایم که باز هم بدون حقوق و فلاکت بکشیم؟ آیا ما بخاطر اینکه فقط شاه برود این همه کشته داده‌ایم؟ اگر فکر کنیم که با رفتن شاه همه کارها درست میشود، آدم ساده‌ای هستیم. زیرا آمریکای جنایتکار و سرسپرده را آسمان نگرمیکنیم. شاه فقط یکی از عوامل امپریالیزم آمریکا بود و عوامل دیگر او هنوز است در ایران فعالیت میکنند و با این ما باید با نابودی آنها دست از مبارزه بکشیم. بنابراین عوامل افرادی مانند سالاری و حاجی قیروز میباشند که این چنین چون کارگران را میمکند و با این ما باید با نابودی آنها دست از مبارزه بکشیم. مرگ بر این سرمایه‌داران وابسته به آمریکای جنایتکار.

سالاری و حاجی قیروز به عناوین مختلف از حقوق کارگر میزنند مثلا بتو را در نمیکنند اگر مقداری کم بار را با دستگاه مزد بپردازند به کارگر نمیدهند آیا

بقیه در صفحه ۱۲

گزارش راهپیمائی ضدامپریالیستی (رامهرز)

با دعوتی که از طرف کانون دبیرستانهای پیکار شهرستان رامهرز برای "عمق بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی" و "خنثی کردن سو ـ

طلبهای حاجیهای سازشکار و ضدمردمی" شده بود، روز جمعه ۵۸/۱۰/۲۸ راهپیمائی باشکوهی در این شهر برگزار گردید.

راهپیمائی از محل استادیوم ورزشی شروع شد و بعد از شرکت کنندگان که از دانش آموزان، معلمان، کارگران، کشاورزان، دبیلمه‌های بیکار و کارمندان اداره بودند، به حدود ۳۰۰۰ نفر رسید. صف راهپیمایان با فریادهای "مرگ بر آمریکا" "نابود باد

عمو از حباب‌های اصلی شهر، در تقاطع خیابان خمینی روبروی اداره مخابرات برای تراکت قطعنامه راهپیمائی متوقف شد و نمایندگان دبیلمه‌های پیکار شروع به خواندن قطعنامه نمود. در ضمن حین گروهی عناصر مرتجع و فریب خورده سعی میکردند با فریاد و جار و جنجال خود، مانع خواندن قطعنامه گردند. اینان که خود را مسلمان هم میدانند، "نمی‌فهمند" که با این اعمال خود، دانسته یا ندانسته به امپریالیسم و ارتجاع خدمت می‌کنند. بالاخره پس از خواندن قطعنامه راهپیمائی متوقف شد. لازم به گفتن است که این راهپیمائی که بعد از خواندن قطعنامه به پایان رسید، با شکوه‌ترین راهپیمائی بود که از مدتها قبل بهمن ماه باشکوه در این شهر برگزار میگردید. شعارهای راهپیمائی عبارت بودند

بقیه در صفحه ۱۲

www.iran-archive.com

اخبار کارگری

رسیدگی مرتب ...

اگر شورای کم یا زیاد می‌شود نمی‌کارگر است؟ بنابدلایل گوناگون ما باید بکنیم و عمده ممکن است وزیر کم یا زیاد شود و دیگر سنگی به ما بیاندازد که ممکن است خراب باشد و در سر کار بکند. کارفرمایان این کارها باید ظلم و ستم را با بدآنجا بفرستند که حتی برای کارگران در این سرمای زمستان از روشن کردن یک بخاری هم ابا دارند. برای بخاری هم نمی‌خواهند در زمستان آنها مختاری خرج بکنند. می‌خواهند که ما بیچاره برای کارفرمایان کار کنیم. کارگران باید بلرزند و در سر دستشان های یا صندلی با آن سرو صدای سرسام آور و هر روز فرسوده سر بشوند و بیری رو در بیرون آنان را بگیرند و در تمام خانه بدبختی بیشتری دچار کند. اینها اثر آن سرور دوام سال و بند و در خواهی دچار جادنده‌ای بشوند. کارفرمایان که بخواهند کارگران را اخراج بکنند. برای او هیچ مهم نیست که کارگر یک خانواده را بیاندازد سلک برای او و بدست مهم است. و در یک مورد یکی از عوامل او کارگری را با چشم و لگد و صندلی و سایر کردن حس و با مرا او را از کارخانه بیرون می‌اندازد. در این آسیاب خانه‌ای هستند که با نام جمهوری اسلامی و با استفاده از مذهب این حس سرمایه‌داران کارگران را می‌کشند. آیا انسان بدبخت کسانی هستند که با دیوار عامل با واگ بودند و ارتباط مذهبی سرائی می‌کردند؟ اگر آنها با دیوار با خدا و با واگ و با نام با دست کشیدند و دیوار را بر می‌کردند و در شهرهای خارج به خوشگذرانی می‌پردازند و مسلمان مذهبی و با نام جمهوری اسلامی حس خاری را می‌کشند در حقیقت همان عامل آمریکائی که بودند هستند فقط ظاهر خود را عوض کرده‌اند.

ما کارگران دست خود را موب ساخته‌ایم. در هر لباسی که باشد و هر نامی که برای خود بگذارند دیگر نمی‌خواهند. ما را فریب دهند. ما تصمیم گرفته‌ایم که با تمام قدرت آنها را مبارزه بخواهیم کشید. ما را مبارزه بر علیه آنها را در انقلابی که به ما بودی ما خاص این اتحاد بدهد هم. ما با دگر تصمیم که دیگر نمی‌دهیم دست خود هم را با هم متحد بسازیم. حکومت می‌خواهیم و با سودی کنیم. از سر ساده با آن همه کشیدند و دیدند که نتوانست در خلوی اتحاد ملت ما تحمل بیاورد. دشمن بیشتر این مصلحت سعی در بیرون داشتن ما کارگران می‌کند ولی این دفعه دیگر کور خواهد داشت. اتحاد دست محکمی است بر دست کارفرمایان را لوصت.

کارگران کارخانه رسیدگی و با صندلی مرتب

راهپیمائی را میبرد ...

ار: ۱ - مرگ بر آمریکا دشمن خلق ما
۲ - انقلاب سرور است، سازشکاران بودند است ۳ - ایران بالیسم جوینخوار، عناصر سازشکار، نابودباید شد ۴ - اتحاد، اتحاد، علیه آمریکا ۵ - آمریکا جنایتکار است، و بنام تواضع ۶ - اقای سازشکاران، که خواسته خلق ما است، باید ادامه باید ۷ - ایران را گورستان آمریکا میکنیم ۸ - بدسازش نه، تسلیم نه، نبرد با آمریکا، نبرد با ارتجاع ۹ - سازشکاری نیکاری نیرو صمد تسادات نیرو باید دارد با عامل این تسادات است ۱۰ - این حرف حق ما است، عامل مربوط آمریکا است آمریکا است ۱۱ - ارتجاع ارتجاع در هر لباسی محکوم است ۱۲ - قرارداد نظامی، سازمان اقتصادی، با آمریکای جنوبخوار، ملغی باید گردد ۱۳ - هشتاد

قرار کشد، صدها هزار رسمی، هر نیرو باید سازش، هر گونه باید سازش.

بعد از ما این را احساساتی، نیروهای مرتجع که از با سر مست این راهپیمائی نیروی مردم به دست آمده بودند، سعی شود بنا به دگردن برنامه‌ای، این را خنثی کنند. جریان را این را سود که بعد از ما این راهپیمائی با ملت تودر شهر را اعلام بدهد و اعلام کردند که عجیب خواهیم نام ما و اکنون را اعلام کنیم. و دست کشید همه جمع شدند، دیدم کسانی را مصرفی کردند مثل نوروزی و معروف به رسولی مکتب گرسا واگ، که معرف حضور عده اهالی بودند بدون با عامل اسلام را بسته بدون و واقع این آنان کار مسیحی انجام بدهند. در همین این هر شخص با هم بدتر از افراد سازشکار را هم شعار واگ

معرفی گردند با تمام این اعتراض را بسیار بدون و ادامه سازه با دارند. بعد از این جریان هر دی آموزند که کمیته‌ای ما مردم را تحریک میکردند با بعد ما سازان را ادب بکنند و همه کنند مصمم بدانند. منظور سازان هم افراد شرکت کننده در راهپیمائی بود و از اینجا معلوم شد که اینها نمی‌خواهند این جریان سازان در واقع بدرو مادران را انجام ضرورت سازان نباید دارند و خودسازان حکومت کنند و با آمریکا بهتر کنار بیایند. بعد از اعلام این جریان مردم فهمیدند که اینها از چه جریان را خبر بودند و واقع جریان ما اقتصای اساسی با واگ بنا شد بعد این دروغ و ترس بوده است.

سازان امکان و سازکاران و حمایت کاران را اخراج و طرد کنیم!

اتحاد و همبستگی خود را در مقابل

ارتجاع و امپریالیسم محکم کنیم!

راهپیمائی ۳ ۱۱ ۵۸ - خبرنگاران اتحاد دبیرستانهای تهران

حقیقت
از آن اتحاد و کوشش‌های خبرنگاران و راهپیمائی و اعتراض مردم تجلیل کنید

در تکثیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید

صحرائی مقدس تو ...

سوسا بدولی سابقه‌ی صدا انقلابی "شورای انقلاب" خیلی روشن مردم ما را پیدا میکند که دست از خواسته‌هایشان بردارند و کرنه شما هم مدام انقلاب ... با بدگفت هستند این نوع دلایل در نجات نه را با بدآرا را در مرتجع انتظار داشته باشیم بدک مردم مردمی و مقیم در خانه و با بدهیچ خانه بدرسی مواضع صد مردمی و خانه‌ها بد مردم را واضح و آشکار بیان میکنند. البته با دآوری کنیم وی مطرح بد کارگران سرکت مقصد هم بود که دستمزد با صناری سروی مقصد و با کاری عناصر ساواکی و خانه درون تا در سرکت مقصد بردارند. وی دیگر مرحوم تا هم با بدکتاب با لائی میکرد مردم در ریق بکند. عکس العمل مردم مخصوص کارگران سرکت مقصد و میما نگاری را نسبت به آن خیلی قاطع و انقلابی بود. مکتب اول اینکه اکنون سبب وارد مسجد شده بلکه در بیرون از محوطه ایستاده و گوش میدادند و ما اینکه بعد از سروع از اجبت مرجعا بدوی مردم جدد در داخل و عده در بیرون از مسجد با خالی بیشتر آمد محل را پر میکردند در حالیکه هر جد خرب خرید سود بسیار مقصد خرابی میکردند. حیری کد لباس هم همین بود. با ما در حس سحرائی وی مردم به سیاه دیگر بد مرحوم مرحوم پاس گوش میدادند بلکه با خالی با راحت و حساب خرید با او را ... میکردند و میگفتند "نمی مردک خاص، داریدون بیان با م از دست با دخطور خالد از دیرای با او انقلاب ما مصمم میکرد" عده‌ای دستور میگفتند "آنهمه خور دادیم و ما را دیگر دیم که خالا یک بحث خاص مدیر و مردمی مثل "شورای انقلاب" و مقصد خرود کنیم بهتر و با زرتان برای ما شکلیت مقصد کنند و هنگامی که بعد از مدتی که مقصد تسر خانه اردبیدن اینکه مردم حیی سحرائی بس محل را برگ میکنند و ما نفی اورا با سپراء میگیرند و دور اسحس را گوشه کرد و در لاک اسلام سامی رسید و اسکه الان هوا نیما در فرودگاه منتظر این است و بس با بدسرو مرو به قصد را سروع به ما سمالی کردن کرد و خون حرص سما مدعده‌ای که در درون مسجد بودند سروع کردند با حالت اعتراض و حسم پاک سئوال کرد و حرفهای او را نفی کردن و مقصد فریاد دادن این وضع با آوردن اسم حسینی مردم را به طلوب تقسیم وا داشت و خودش بلافاصله از مسجد بیرون آمد و با سرعت سوار ماشین شد. حسی در حس سوار شدن مردم عموم پرسیدند که سئوال کنند ولی او بدرا بسته داشت کشت که سرعت محل را برگ کند، که مردم هم با حالتی ما را حب بدسال ماشین دوسه و نحس آنها را سار میکردند. در آخر و سبحه بکشو شم اینکه بعد از رفتن وی خود در میان مردم و مخصوص کارگران آنقدر عوض شده که در جواب سئوال کشت اگر سیروهای انقلابی حب و بادی کارسازی جامع الاطراف میکردند استقدر در مسلط نمیتوانستند مقصر در و "شورای انقلاب" را اعتماد کنند و خواسته‌ای درون مردم مقصد را این حس تک سد استقدر را دعوت کنند و با بدگفت که خواسته دیده شد که صحرائی مقصد فرکوب خود و حیثیت خانه را اعتماد نمود.

*

---

www.iran-archive.com

اخبار کارگری

گزارش تحصن ۳ هفته‌ای عده‌ای از کارگران شرکت نفت

کچساران

در شرکت نفت مقرراتی از زمان گذشته وجود دارد که شامل وضع خصوصی کارگران میشود و مسئولین شرکت نفت مدعی اند که طبق این مقررات با کارگران رفتار میکنند و کرده اند (چه در گذشته و چه در حال)

یکی از این مقررات در مورد کارگران چنین میگوید:

کارگر را میگذارند تا دوسال بعد عنوان کارآموز را دارد و بعد از این مدت کارگر امتحان بعمل می آورند و بقول خودشان اگر شایستگی آن را داشت یک رسید به کارگر میدهند که این یک رسیده عبارت است از چند راز اما چه خصوصی و یا رسمی خودشان اگر شایستگی آن را نداشت در امتحان مردود میشود و یکسال بعد دوباره کارگر برای شرکت چند راز خصوصی امتحان می‌شوند.

ایرادهای وارده بر این عمل مدکارگری:

۱ - اولا طی این دوسال که بقول خودشان میگویند کارآموزی تحت نظر و مطرح کارشناس کارها را ارزیابی میکنند.

۲ - صحبت از آموزش کاری بهیچ عنوان وجود ندارد مگر مجبور بخود کارگر که خود در حین انجام کار بدست آورد.

۳ - امتحانی که بعمل می آمد هیچگونه ارتباطی با کاری که کارگر در کارخانه انجام میداد نداشت.

۴ - بحثی که از کارگر امتحان میکردند هیچگونه سوادکاری ندارد و اگر کارگر در موقع امتحان بدا و اعتراض کرد این کارگر در امتحان مردود میشود و یک سال بعد همین برنامه اجراء میشود.

از همه بدتر این است کارگری که با کوشش رئیسی میکرد بر روی داد امتحانی (P.A.C) برای اورویتی شده و این کارگر بخاطر کردن کلفتی رئیس سالیانه همچنین حال باقی می ماند و از کرمش اضافه حقوق خبری نبود.

اگر بخواهیم یک یک این مقررات را شرح دهیم وقت بسیاری میگیرد اما آنچه مسلم است این بودجه‌ای دهده کل مقررات مدکارگری در شرکت ملی نفت میباشد. در رابطه با همین مسائل مترسم مسائل مطلب تحصن عده‌ای از کارگران.

اول اینکه این کارگران چهار سال و سه یا سه سال سابقه کاری دارند بغیر از تجربه کاری. طبق همان مقررات مدکارگری این کارگران بعد از دوسال جزو کرمش یک رسید و سرنوشت مقرر را داشته اند. اولا شرکت نفت اندیشون که روسای مربوطه اصلا بدان مسائل پی نبرده اند. و توجه شان بیشتر در جهت ارضی بردن کارگر بوده است البته بعد از کسبدن کارخانه و برایشان مهم نبوده که کارگر مکش دارد یا نه. پیدا است با روحیه کاملا بی توجه و جو حال از این وضعیت خود میکنند به اندازه مکش ده کارگر بوده، کارگر را تهدید میکرده و غیره.

کارگران برای احقاق حق خود به رئیس تعمیرات شرکت نفت منطقه کچساران (کرمی) مراجعه میکنند. رئیس تعمیرات با خونسردی هرچه تمامتر در جواب استدعای این مدت رسیده ما عقب افتاده میگوید که یک قسمت درصد بدهد که با مسئول این نوع مسائل (رضا نژاد) در اخوار صحبت کنم و بقول معروف که یک قسمت دیگر بیچه بکنم. بعد از سر رسیدن یک قسمت مبلغ آقای رئیس این جواب را به کارگران میدهد: ما برای شما بروند سری زدن رسیده دگرده ایم و مسئولین اهوازی (رضا نژاد) در چند ماه پیش قبول کرده بودند که این رسیده را به شما بدهند. اما الان میگویند نمی توانیم این رسیده را به کارگران شما بدهیم چون که شما با این کارگران هستید و این کارگران هستید و شما با این کارگران هستید و شما با این کارگران هستید و شما با

دزد کیست؟

کارگران سوخت و رحمتکش

روز شنبه ۶ بهمن ۱۳۵۸ همه ما از خبر دزدیده شدن قسمتی از اموال شرکت توسط یکی از افراد کارخانه مطلع شدیم. البته خبر اینطور رواج پیدا کرده بود که با کشف گردن موجود مسئولیم که پای دیگر افراد کارخانه نیز در میان است. ما کارگران بخوبی مطلع هستیم که در جناب ما یعنی روزانه خبر دزدی (جمعه) این عمل خلاف صورت گرفت که با دخالت کارگر شرکت نفت این موضوع برملا گردید. انجام این کار در روز جمعه نشان میدهد که این مزدوران سیاسی که در کارخانه حضور دارند سعی دارند که از این غلطها بکنند.

ما بخوبی مطلعیم که دو هفته پیش با اجاره هفتاد کارگر شرکت از طرف شرکت نفت میخواست قسمتی از اموال شرکت فلور را به بیرون ببرد که با هشیاری و مقاومت رزمنده کارگران مواجه گردید و حتی یک بیخ هم نتوانست به بیرون ببرد. با بسیج از رئیس کارگر مزدور و دیگر افراد کارگر سئوال کرد که در شب آن موضع جواب بود بدکه در روز روشن جلوی دزدی را نگرفتند. کارگر مزدور شرکت فلور روزی ۲ بار را بطور وحشی آمریکایی کارگران سرپرست و رحمتکش و متخصص بازرسی میکند و اگر کارگران اعتراض کنند آنها را با فاصله حق بجای وظیفه خود یعنی جلوگیری از سرقت اموال توسط کارگران مخالفت می‌کنند. با بسیج از این افراد دخالتگر برسید که خطر از سرقت اموال شرکت در بالای سر ولباس و کثیف و پاک کارگران گسترده و مستولی از عنوان جدیدی مسئول حامل اموال دزدی شرکت توسط آمریکائیان جاسوس تئوریزه شود. و با این نوکران دزدهای واقعی و دشمن کارگران جسارت دزدگیر خود را توجه لباس پاک و پاک کارگران کرده و از حامل اموال شرکت توسط رفتار روی خود را برمیگردانند! اما آنان خود دزدیده و سرپرست دزدان فعلی اند و سرپرستکاری آنها در روز جمعه دلیل این حرف است که این مسئولان به ما دور خالب با لانشکاه میباشند و میتوانند جلوی دزدی اموال شرکت توسط دشمنان کارگر را بگیرند.

اکنون از خودشان پرسیم علت بازرسی بدنی کارگران توسط این افراد چیست؟

علت را باید جای دیگر پیدا کرد و آن جلوگیری از فعالیت سیاسی کارگران است. آنها در پی با قتل پرونده و با اعلامیه‌های مرتبی و انقلابی سعی دارند که جلوی کارگران را بگیرند. آنها از این ترس دارند که ما کارگران را با دسائل کارگری با خود اعلامیه حمل کنند و بدین وسیله از محل کار و نظرات طرفدار طبقه کارگر جلوگیری کنند. سعی ما از این مزدوران و اعمال دکارگری آنها نشان میدهد که سیاسی توان از طریق یک تشکیلات واقعی کارگری از محل کار خود خالب کرده و جلوی دزدان واقعی اجتماع یعنی زمامداران و کارخانه‌داران را گرفت.

ننگ و نفرت بر دزدان و سرپرستک دزدان.
کار و درد، شریک درد، اخراج باید گردد.

عددای از کارگران شرکت فلور ۵۸/۱۱/۱۵

در تکثیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید

تصفیه‌های ارتجاعی را در ارتش افشاء کنیم

بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ از سوی ارتش ابزار سرکوب خلقها میرفت که از هم پاشیده و ارتش مسلح خلق جایگزین آن شود. ولی متاسفانه بعد از سایان قیام، ما شاهد سلاح عوامل ارتجاعی و بازماندگان رژیم سابق در خلع سلاح توده‌ها و بازسازی ارتش بودیم. البته این بازسازی توام با تصفیه بود. در این میان فرصت طلبان ضمن شرکت نمودن چند فرمانده مزدور رژیم پیشین دست به اخراج پرسنل انقلابی تحت لوای تصفیه زدند. این عناصر انقلابی که خواهان مردمی شدن ارتش و ایجاد نظام مورائی بودند تحت عنوان [illegible] تحت حتی بدخوهای اعدام [illegible]

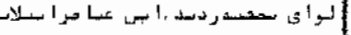

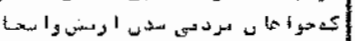

اخبار کارگری

ضدانقلاب چه کسانی هستند؟

پس از یکماه از مبارزه و تحصن‌های سیاسی کارگران کارخانه دوزبندگی باطمی میگذرد. کارگران این کارخانه در مقابل توطئه اخراج کارگران از طرف کارفرما - باطمی - بپا خاسته‌اند. در طی این مبارزه کارگران مورد تهمت‌های بسیاری قرار گرفتند. ضدانقلاب و اخلالگر، نامیده شدند و از پا ننشستند. به وزارت کار و سایر مقامات، مربوطه رجوع کردند و همواره به ماده ۳۳ حواله شدند، اما با زیر مبارزه خود ادامه دادند و با حدگروهان گرفتن باطمی مزدورپیش رفتند. از طرف کمیته‌های مختلف به کارخانه آمدند و حتی سعی کردند با تیراندازی کارگران را مغرور کنند اما همه این کارها به نتیجه‌ای نایبد سرمایه‌داران و حامیان آنها شد بلکه اتحاد کارگران محکمتر شد، و این مبارزه را به بیرون کارخانه کشاندند و هراس از هم‌بستگی در دل دشمنان افکند. این مبارزه اکنون بدست خود ادامه دارد و کارگران با بردن مسائل خود به کارخانه‌های دیگر برادران خود تماس گرفته و آنها را در جریان مشکلات خود قرار میدهند و با استناد و مدارکی که از باطمی بدست آورده‌اند، اولا تمام تهمت‌هائی که به آنها زده میشود را برای کارگران دیگر افشاء نموده‌اند و هم‌چنین ماهیت وزارت کار را نیز که در این رابطه با ما و با همه نیروی باطمی حمایت میکند افشاء گردیده‌اند. استاد و مدارکی که کارگران دلیر این کارخانه ارائه میدهند نشان میدهد که چه کسانی در مبارزه ضد سرمایه‌داری اخلال کرده و ضدانقلاب هستند و چه کسانی خواهان قطع سود و برساندن کارگران به حمل شکاران میباشند.

در زیر اطلاعیه شماره ۷ این کارگران و سندافشاگری آنها آورده میشود.

بنام خداوند درهم‌کوبنده ستمگران

[توطئه‌های کارفرما را افشاء کنیم]

خواهران و برادران کارگر، هم‌میهنان مبارز

همانطور که سابقا، کمیته در جریان امور کارخانه ما قرار گرفته‌اید، ما کارگران با اتحاد و همبستگی‌مان توانستیم کارفرما و همدستانش، یعنی کمیته‌ها و وزارت کار (کارفرما) را بشناسیم. در این برخوردها در یافتیم که تلاش همگی آنها در جهت پایمال نمودن خواستهای برحق ما بوده است.

بدنبال برخوردهای قبلی با دیگر کمیته مرکزی و کمیته امداد امام و شورای سنگری انقلاب رسیم، کمیته مرکزی و کمیته امداد امام با نامه‌های پارا بدین مضمون گفتند: "کارشما بما مربوط نیست." شورای سنگری انقلاب نامه ما را بدین مضمون قرار داد روز سه ۵۸/۱۰/۲۲ به کارخانه نیامد که از آنها هم‌چیزی نشد و همگی عملا حمایت خود را از کارفرما نشان دادند. کارفرما شاکی بود وزارت کار وقتی برای ما نشان نشد که باطمی را در آنجا مشغول تنظیم شکایتنامه‌ای بر علیه خودمان دیدیم.

باطمی مزدور حتی به دعوتنامه‌ای که در وزارت کار نوشته کرده بود و طی آن قرار بود روز سه در جلسه‌ای با حضور شورا و نماینده دادستانی تشکیل شود، شرکت نکرد.

همانگونه که باطمی این سرمایه‌دار وابسته و همدستانش در برابر تصمیم عظیم اتحاد کارگران عاجز مانده و کاری از پیش نبردند به عوامفریبی متوسل شدند. نمونه‌ای از آن را میتوان حاشیه‌نگاری نامه‌ای در روزنامه کیهان دانست که در آن مدعی شده بود که کارگران همه کارآموز بوده و به محض اطلاع از اینکه اداره کار جمهوری اسلامی در کارخانه شبه میشود، دست از اخلالگری ردند. آیا کارگرانی که بین ۳ الی ۱۲ سال سابقه کار دارند کارآموز هستند؟ این سرمایه‌دار مزدور از کارآموزی ماندن کارگران استفاده‌های زیادی نموده است. بطوریکه کارگران را قبل از اینکه مدت استخدام آنها به ماه نبود اخراج میکند تا سابقه و مزایائی برایشان منظور نبود و سپس همه برای کارگران رد میکند، و حتی کارگران قدیمی را نیز با بهانه اخراج و مدارک آنها را باطل میکرد تا با شروع همان قدیمی‌ها آنها را بعنوان کارآموز استخدام نماید و اگر کسی اعتراض میکرد و خواستار استدلالی برای حضور خود بود، بوسیله باطمی مزدور متهم به اخلالگری و ضدانقلابی بودن میشد. آیا ما مسلم ضدانقلاب چه کسانی هستند؟ آیا ما کارگرانی که برای بدست آوردن خواستهای برحق‌مان مبارزه میکنیم و خواهان ادامه کار و تصمیم ضدانقلابیم؟ یا کسانیکه با تشکیل کارخانه و ایجاد بیکاری عملا به اسرائیل کمک میکنند؟

ما می‌گوئیم که ضدانقلاب کسی است که وابستگی او به رژیم سابق و اسرائیل با مدارکی چون مدال آورآبادگان شهر ضد اطلاعات و روی کار آوردن شاهنشاهی و پایه‌گذاری سوم و عرض جاکری در برابر شاه مخلوع ثابت شده است.

ضدانقلاب کسی است که برای سرباز عدارس که چون همشهری ما در شهید و صدها هزار رحمی که باعث نابودی سلطنت او شده است سرنیزه و مسلسل بد؛ چرا میگذارید این مردم بیرون بروند. چه کسی هزار و یک بهانه برای ارتش جمهوری اسلامی دل میسوزاند؟ چون اکثر کارخانه‌های بزرگ کارگاه را در تحویل دهند با تعویق دیرگرد میدارد. اکثر و واعتصابگران ارتش بود قرار داد اعتصاب شده را به مرحله اجرا در میآورد. در صورتیکه برای او بود منظور است به ارتش جمهوری اسلامی.

ما کارگران در طول مبارزه خودمان در یافتیم با اینکه سروی اتحاد ما کارگران به توطئه‌های کارفرمایان مزدور و عوامل آنها اثری ندارد، زیرا در مقابل آنها با دوستان متعددی داریم که در کارخانجات دیگر مشکلاتی چون ما دارند. آیا این کارگرانی هستند که در این شرایط سخت و مبارزه که ما سخت و ورود در کارخانه مشخص هستیم با آنجا که میتوانستند به ما کمک نمایند و مشکل نمودند زیرا آنان نیز سرمایه‌داران را الوصف در حال مبارزه میباشند و پیروزی با پیروزی آنان میباشد.

کارگر برپا وزاست، سرمایه‌دار رسوا است.

کارگران کارخانه دوزبندگی باطمی

۱۳۵۸/۱۰/۲۲

وابسته میشود:

بدینگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

با سپاس و خضوع و ادب از آنجائیکه مرجع استماد مظلومین ارتش عوامل مملکتی آن بدرستی جداراست و باید عموم ایرانیان در پناه از زحمات شاهنشاه بزرگ و اوضاع شریف در ایران هادی بگردد ولی در بعضی اوقات که منافع کشور و اکثریت آن ملحوظ است گرفتار متخصصان سرمایه‌داران خود خیانت کرده‌اند بدین رو در مقام مصلحت وقت تصمیم آن رهبر عالیقدر بر آمدم.

خاکپای باطمی که بمدت سیزده سال و از چهل سال در تهیه و مدارک و وسایل موتاژی کل افراد سروهای مسلح شاهنشاهی با متصدیان امور همکاری داشته و دارم و با تمحتوا باب سروده‌های مشکله سیوسه با منافع خیلی با حضرت دیگر میهنانتان رباب نموده و در اسرع وقت مهر موم نوع در مدارک کالای مورد نظر را اعدام نمودم و بعضی با حدمال آورآبادگان و حدمین تقدیر با مدم مدیس روبجاری آن حد که خود را بحق معرض گرانی در مورد الیاف آکریلیک و کرک بسم میدانم با ارطرفی با توجه به ؟! ارالیاف مصنوعی با کرک طبیعی که با بحاب سرا ارسرسهای قبلی اداراب لحتیکی و معاشات فنی و اداره اساسا دارد نمودند بر سده مباحثه شده و سرخلاف قانون بی ارا بعضای مدت ۲۵ روز کد سالیع حدود هفتاد میلیون ریال جهت سریع در امر مدارک بنا سر روش با سر کرک طبیعی ترکیب شد و کلاه ریز کاسک سرنیک مخصوص ارتش شاهنشاهی ارکشور کره جنوبی خریداری که کمرک خرمهر کواه صدی عرایض است وارد نمودم و مقداری ارآن کرک بسهران رسیده و مشغول مدارک میباشم که معلوم نیست حیران این جاریا کسب و بدون توجه به ؟! ارالیاف آکریلیک که بسدای ارآن بعرض خواهد رسید تصمیم به تهیه آن نمیماند.

۱ - الیاف آکریلیک با سر دیگ بدن بدنه‌ها دوب بدنه و مشوجات مولیدی ارآن هادرا سرا بر دوب بدن بدن سرا رحسیده اتحاد و همگی بدید مشاهده و حال آنکه تسم خود اطفاء هستند و بمحرد اینکه ارمله دور نمود خود خواهد موس میشوند.

بقیه در صفحه ۱۶

www.iranarchive.com

تحصن چهارهفته‌ای...

با رئیس تعمیرات (کریمی) به این نتیجه میرسند که حمید تعرا کارگران متحصن به اهواز رفتند و با زهاب فر مسئول این مساله مذاکره کنند. به یکی از نمایندگان شورای کارگران کحاران نیز اطلاع داده میشود که یک هیئت مساله‌ای هست و آقای نماینده (علی آبادی) میگوید که با کارگران متحصن کتبا از شورا تقاضا کنند!؟ تا یک نماینده همراه این کارگران به اهواز فرستاده شود و در حل مساله به آنها کمک کند. بعد از رفتن شما ما تو را میشود که یکی از نمایندگان بنام صالحی این کارگران را در اهواز همراهی کند.

زمانیکه کارگران به اهواز میرسند زهاب فر به تهران رفته بوده و کارگران و نماینده‌شان را در ساختمان مرکزی شرکت نفت اهواز یکی تحویل نمیگیرد و گویدروسای کحاران (صالحی و کریمی) از نبودن زهاب فر در اهواز خبر داشته و برای سر دواندن کارگران در اهواز آنها را به اهواز فرستاده بودند. بهرحال در اهواز کارگران بروبده‌های (P-A-C) های خود را بهلوی آقائی بنام پاورساد پیدا میکنند که وقتی این آقا نمایندگان کارگران از کحاران برای روشن شدن وضعیت رسیدگی آمده‌اند حاروجنجالی راه انداخت که گوئی کارگران آمده بودند که شرمهود گرمش را بخورند با لباسهای خاص مشابه‌ای را و با دوستش را که برای اینکه کارگران بفهمند چه میگویند با هم انگلیسی صحبت میکردند، نگیرند.

بله این یکی از مسئولین، اسم کارگر که می آید میخواهد بسرکد. روی کارگر را دمی رسد آقا سخن چه مربوط که ربه نماینده‌اند و وقتی که از او سئوال میشود که چه کسی مربوط است در جواب میگوید به چه دلیل این را میخواهید بدانید و وقتی از کارگران میگوید میخواهم بگویم شما را با او روشن کنم آنها در جواب میگوید که فرض کنید من هستم هر کاری دلتان می‌خواهد بکنید بروید تحصن کنید، اعتصاب بکنید من مربوط نیست (البته با فریاد و لحن ارباب منشانه‌ای). اگر کارگران دارای تشکیلات منظمی (نمایندگان واقعی) برای خود بودند که توی دهن هر قلدر و ضدکارگری بگویند آیا این آقا می توانست چنین حرفی بزند؟

تکلیف چیست؟ آیا با زهاب بدهمان پشت میزنشین ها برای کارگران تصمیم بگیرند؟ آیا این درست است که رئیس مربوطه کارگران فوری بعد از چند ماه رئیس کل میشود و حقوقش ده برابر یک کارگر میشود آیا این درست است کسی که بعنوان رئیس به کارگران ظلم کرده خیلی راحت برای سر پوش گذاشتن بر روی گذشته‌اش خود را به منطقه‌ای دیگر منتقل میکند. جرا اینها تصفیه نشده‌اند. ما میترسیم آخرش همینها ما را تصفیه کنند و بقول خودشان از شر ما خلاص شوند. رئیسی که کارگر را با گفتن اینکه به ما واگ تحویلت می دهم میدید میکرد که از حق خود بگذرد خیلی راحت از کحاران به اهواز منتقل میشود و میبینیم که رئیس ها مرتب در گردشند و برای گرفتن رتبه و حقوق بیشتر هر یک سال یک ناحیه‌اند. و برای خود محلی برای گرفتن رتبه و مقام درست میکنند و بعد وقتی که به کارگری میخواهند یک رتبه بدهند میگویند محل نداریم که رتبه بدهیم. بهرحال کارگران از اهواز با شورای کارگران کحاران تلفنی صحبت کردند و اتفاقات اهواز را با شورا در میان گذاشتند. متاسفانه شورا حتی این مسائل را منعکس نکرد. حتی اعلام نکرد که چه ظلم‌هائی به ما میکردند و باز همان افراد و امثال همان افراد دارند میکنند. شورا آنقدر خود را در برابر این مساله ضعیف دید که حتی از افشای این حقایق با سهل انگاری تمام گذشت.

بطوریکه بعد از چهار هفته تحصن تازه میخواهد که این ها همکارگرند و ما با اصطلاح نماینده آنها هستیم.

کارگران متحصن بعد از ضمانت با نزده روز شورای کارگران که طبق این ضمانت متعهد شده‌اند که در مدت این پانزده روز مساله را حل کنند، به سر کار خود برگشتند.

بعد از اتمام پانزده روز مهلت و عدم انجام خواستهای کارگران متحصن، هم اکنون این کارگران به تحصن دیگری دست زده‌اند.

تا بودیا دمقـــرارت ضدکارگری در شـــرکت نفت
پیش بسوی ایجاد سندیکای واقعی کارگران شرکت نفت
(عده‌ای از نفتگران کحاران)

*

صدا بطلاب...

طبق تحقیقاتی که تحصیل آمده در باره‌ای موارد مالیه پیچیده شده آکرلیک استفاده میشود در تصرف کننده بوده که این خود در تشریح علت این نوع البسه محسوب میشود و حال آنکه شرک طبیعی از جمله پشم نوع حساسی در تصرف کننده بوجود می آورد.

۳ - مشخصات پیچیده از البسه آکرلیک نمی تواند مانع از بوجود آمدن پیچیدگی و التهاب شود.

۴ - الکتریسیته ساکن که در اثر مالش در پارچه‌ای از البسه بوجود می آید در آکرلیک بیشتر است بیشتر از پشم است.

۵ - هرگاه فردی البسه مصنوعی را بمدت ۲۸ ساعت نشوید حس بوی گندابه را در ما پشم میکند.

با شرح مفصل به بنگاه مبارک محمدیان اهوازیدون مطالعه عملکرد در تصحیح و تعیین تدوین افراد اداری با پوشش البسه مصنوعی اقدام بعمل آمد و از طرفی با مبارکه کلیه مراتب خود را در اداره بنگاه کاری مادمات و تصرف اهوازیدارک که بر بنده مشاهده بعمل آمد طبیعی بنده اقدام با اعلام و بررسی های مقامات مسئول شروی و رسمی وارد تعاطی شده‌ام از دست خواهم داد امیدوارم برای اثبات حد مشتراری و چاکری از اینطور طلوکا به اطلاع مراتب بنده و برای اینکه مناسب بودکه این عرضه بر اساس حساب از افراد اداری است به بودجه‌ی مقرر مراتب دیگر خودداری را بوسیله مناسب کمرکی که تصمیم بارل خودداری شده بدون سود اداری با شهرطرسی و شهرکار خانه مارسد که طلاع مداشته‌اند و عمل نمیشد.

با تشکر مشاهده که در سیجه این عمل بعد از دستور ارتکاب کارخانه سکار و خانواده آنان دچار مفروشگی گردیده و صد روزه بهیه تعمیر تکلیف نوار ارتکار مراجعه نمایند.

در ضمن هرگاه اعرلی با ادای در ارتج؟؟؟؟؟؟ مفرغ‌ی نمایوسی رسیده که مقامات مسئول دستور اکیدا در مورد تسلیم با تشکیل خواهی داده شده.

در خاتمه تعرض میرساند که اثر در دست با البسه آکرلیک لباس پیچیده بودن برای تعیین است و باید مرتبا گویا و تصویب بود آیا مرتبا کشور را بی‌نوار با این اصل بعد نمود. در ضمن تعرض مبارک میرساند که این تحرکه پرده مشاهده البسه مصنوعی گردیده و اقدامات این آلات با مشکلی و اهلیت در این امور است و با احتمال قوی نخواهد توانست که در سال جاری ارتش را مبارک نماید.

جان نثار - مرتضی ناظمی

روستوب جهت استحضار ریاست مادر رئیس ارتش‌ران بعد به اقدام مذکور گردد.
چون با تشکیل پاسخی در شرح مقام مفروضه سرپیچیده است؟؟ گروطبیعه و اقدام با عنصر تصحیح و تست آسمان گرام امیدواست با صدائی که در آن تیمسار سراج دارسم سنج تسجیه گردد.

با تعدیم احترامات - مرتضی ناظمی
امضاء

*

تصفیه‌های ارتجاعی...

گرفتن یک نوار مغزی دیگر در سمارستان دیگری این اطمینان به انسانات برند. وی به یکی از متخصصین بنام ایران، پروفسور سرمائی، مراجعه میکند و نوار مغزی دیگری تهیه و صحت سلامتی او بوسیله پروفسور پیرمائی به انسانات میرسد. پس از مراجعه به سرهنگ کیائی وی اجبارا با دانشجویان همداستان و از دکتر رحمیان گله میکند و اظهار میکند که از دستش کاری ساخته نیست. بدیهی است که کاری نمیتوانست بکند. اکنون ما با ارائه مدارک مزبور از خلق آگاه خود میخواهیم که عواملی را که شرد ستانه سعی در اخراج عناصر آگاه از ارتش را دارند رسوا نمایند. ما دانشجویان ضمن محکوم نمودن چنین توطئه‌هائی قاطعانه اعلام میداریم که بهیچ وجه به آرمانهای خلق خود پشت پا نزده و با پای جان در افشای این گونه عناصر مرتجع خواهیم کوشید.

شورای دانشجویان گروهان ۱ گردان چهار - مرکز آموزش ۱۰ کادر

* (فرح آباد سابق) ۵۸/۱۰/۲۲

www.iran-archive.com

مسئول جنگ ...

می آید، اما بعد از ۸ صبح است که درگیری آغاز، اوج و گسترش می‌یابد. علاوه بر پاسداران، افراد ناشناخته موتور سوار و نیروهای ارتشی که در نزدیکی سپرکاماران مستقر بودند، همه خود را به مهمی نوین حامل پاسدار و جای و چهار پاک و بشر سرزهی سر ارگرما بسا ده آنها ملحق و در جاده نوائکس که مسلط بر شهر است مستقر گردیده و شهر را مورد حمله و تیراندازی قرار می‌دهند. در عین حال در داخل شهر سیرجانیهای مسلح را در به سرگردنی "حمدمحاوه" از مزل شخص بنام اسمعیل سلطانی بطرف مردم سر اندازی کرد و نیروهای ارتش نیز در سمت شمال شرقی شهر عده‌ای از آنها در سمت غرب مورد حمله قرار گرفتند که بر ترس مردم را در ابتدا این افراد بسمت غرب به نیروهای مسر می و مردم وارد میکنند.

پاسداران، جاسپا، مسداو سپاه جمهوری اسلامی سرمایه و بدرزع میکنند که پاسداران برای حفاظ بل و برای اینکه توسط "خرابکاران" مسحر شوند به نزدیکی کاماران رفته بودند. اما همینجا در حاشی دیگر از رسانه‌های سخنی گفته که: "مردم کاماران از سازمان پاسداران نیز ما ساده دعوت نموده‌اند جهت مخالفت با افراد گومله و سپاه زرگاری وارد شهر شوند." (مصاحبه رادیو ملوسیونی سخنی ۵۸۱۱/۱۰) با لاخره معلوم نمیدیم کدامیک؟! دعوت مردم کاماران با مخالفت اربل!!! واقعیت روشن است. هیچیک، نه خلع سلاح "سپاه زرگاری" توسط گومله و نه مخالفت اربل، هیچیک محرک اصلی جنگ در کاماران نشود. محرک اصلی عکس العمل شکست سپاه سی و عقب نشینی پاسداران از سنندج بود که چنانکه بالا گفتیم به پاسداران و بخصوص جاسپا خوش نیامد و این نوظهور کشف را به عمل در آوردند.

بهرحال با یورش وحشیانه پاسداران، جاسپا و ارتش، نیروهای مترقی که میهمان و شروی کمکی برایشان نرسیده بود مجبور به عقب نشینی از شهر کاماران شده، شهر برای مدتی بدست پاسداران و ارتش افتاد. تعدی از مردم شهر را مخلیه کردند. عده زیادی دستگیر و معدودی کشته شده‌ها به پیش از ده‌ها رسید. اما در همان شب اول که شهر در دست پاسداران و ارتش بود از سوی نیمه‌نظامی‌ها صرباتی بر آنها وارد کردند که روز بعد با تشدید این حملات، پاسداران مجبور به عقب نشینی شدند.

فعلا شرایط بسیار حاد است و خطر تکرار جنگ شدیدا وجود دارد. در بازدید سنندج اعلام آمادگی نشان داده و سردست به تحصن افراد، اسوارها در حدود ۱۰ و سرباران گرد دارند. هر روز عده‌ای از آنها را به سپران احضار میکنند تا مستقل و با بازجویی نشان نمایند. در هشت جلسه کسی بروسی یک جناح خواهان دائمی زدن بدایی جنگ ارتجاعی است جائیکه در کمیته‌های فروهر نیز کاملا این امر مفهوم میشود. وی همین حد روز قبل گفت که عده‌ای "ارتجاعی" امام جمعه و استاد علامه‌ای نمی‌خواهند جرقه‌ای شکران کنند به اسان داده شود و سرد گفتن ترس از دست اندرکاران حکومت، بعضی از مراتب در که طرز مشترکی دارند، تهیه شرداری سنزده و اکنون سنوی توجه به خود هنگ و رفع و در لب سرای کردستان، نه تا بدهمه تا رهنمای لشکری رکمیری رسوفظر آن انجام گیرد دست به عملیات خودسرانه زده‌اند در عملیات خودسرانه صورت گرفته است که راه مرتبه تشنگوی سندی را برای رفع بحران کردستان سد میکنند و... اکنون دیده میشود که بعضی از کاربدستان حکومتی خود سرانه در کردستان عمل میکنند..." این "کاربدستان حکومتی" که "خودسرانه" عمل کرده، به عبارت دیگر خواهان جنگ ضروری اند چه کسانی هستند؟ اینها عبارتند از ۱- رؤسای خائن ارتش که چند روز بعد از آغاز رسحص و اعصاب عمومی مردم سنندج در پاسداری و مسجد جامع اطلاعیه‌ای بنام ستاد مشترک ارتش بیرون دادند که در آن یاد آور شده بنام میکنند که نیروهای مسلح در بالای مسجد جامع سلاحهای سنگین برده‌اند و همان موضع میخواهند جنگ براه اندازند. ۲- خائنهای خائن و مزدور از دکه تحت نام "نیروهای مرکز وحدت اسلامی" با مهاجرین به کرمانشاه و تحریک کاب سراه انداختن و مودبانه خواهان براه انداختن این جنگ مرتجعانه‌اند. آقای فروهر در همان مصاحبه‌اش به درستی گفته بود که اینها بودند که شهر را ترک کاماران را آغاز نمودند.

بقیه در صفحه ۶

بنیانی از...

سدید بر لزوم در صفوف مردم و با دادن به حرکت های جنگ امروز را به محافل مرجع حاکم کمک میرسانند. در اینجا این را هم بگوئیم که به نظر ما این اقدام رهنمای گومله حائی از اشکال نبوده و ما خود نیز در این مورد و چند در موارد متعدد دیگر حرفهای زیادی داریم. لاکن با توجه به شرایط حساس روز چه در سیوه طرح این اعتقادات و چه در زمان طرح آنها بنیر کشیدن اشکالات غیر عمده را کاملا زیاد نمیدوند و از در ایب انقلابی مینامیم.

و اما کسان دیگری نیز هستند که وسایل جنگ روز را جبرا زمینه‌ای برای تشدید فعالیتهای مترقی انگیزه خود ساخته‌اند و به همراه عوامل مرجع حرب بوده، این تنگناهای دلالی و جاسوسی ابرقدرت شوروی، دست به "اعتصاداتی" میزنند که روشی ارتشی پاک بر خواسته و بقول معروف آب را گل آلود با عقده و فعالانه مسئول ما هیگری هستند.

اینان که خود را در زیر پاره رهبران مرجع و جاسوس رزکاری به "نشست و برخاست های درسانند" میپرداختند، امروز با کهان کاسه داغتر از آش شده و از موضع کوس برای انفراد گومله و دامن زدن بدترین افکنی در صفوف هیئت نمایندگی خلق کرد و همچنین از موضع "مرگ در تقسیم غنائم" فعالانه در جهت نفی دستاوردهای این عمل مهم انقلابی میکوشند.

امروز که حلقهای میهمان در سر دیرک صدا امپریالیستی آمریکا جنس عظیم خود را شکاف میدهند، وارد آوردن ضربات مشخص و مستقیم علیه پایگاههای طبقاتی این دشمن عمده خلقهای ایران از جمله وظایف عاجل انقلابی میباشند. عمل خلع سلاح سپاه زرگاری گام مهمی در این راه بوده و باید قاطعانه مورد پشتیبانی همه نیروهای آگاه قرار گیرد.

خلق کرد باید بداند که دشمنان انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی ایران هنوز کاملا نابود نشده‌اند و در کوشه و کنار کشور به اطرافی محافل مرجع و وابسته درون هیئت حاکمه (مانند پارس و غیره) و چه اطرافی ایادی خود (زرگاری و سرهنگ علیار... در کردستان، "اتحاد المسلمین" در ترکمن صحرا، حزب جمهوری خلق مسلمان...) به ایجاد فتنه و آشوب دست میزنند تا برای تارکردن بنیان یک حکومت وابسته و سرایا تاسیسی مانند حکومت مادر میهنه حتی کنند.

در ادامه و تکامل اسلاف نیروهای مبارز و انقلابی باید صحنه این ضربات ارتجاعی (سرمایه‌داران وابسته و رسمداران بزرگ مرتجع) را با تکامل حبس نموده، توده‌های ملیونی خلق در هم کوبیده و بر انجام حکومت رحمتکشان را در سراسر جامعه بنا سازند.

عمل انقلابی رهنمای گومله (علیرغم کاستیهایش) قدمی است مثبت در این راه و باید قاطعانه مورد پشتیبانی همگان قرار گیرد.

مرگ بر دار و دسته، شیخ عثمان!
مرگ بر امپریالیسم آمریکا و وابستگانش!
مرگ بر مرتجع بوده، دار و دسته، جاسوس ابرقدرت شوروی!
در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی به پیش!

تشکیلات پیشمرگه‌های
رحمتکشان

۱۳۵۸/۱۱/۱۳

دستاوردهای قیام...

دار و دسته ضد انقلابی بازرگان و شرکائش، امروز، طومار مبارزات "انقلابی" گذشته خود را پیرامون خلق میکشند و بدهکار که هیچ، طلبکار نیز شده‌اند. آنها چه در روزهای قبل از قیام و چه پس از آن، مشغول سازش و معاشات با دشمنان مردم ما بودند. با بختیار، سران ارتش و نمایندگان امپریالیسم آمریکا زد و بند داشتند و امروز بی هیچ شرم و حیائی مرگ بر شهیدان ما حفظ و نشان میکشند و خود نمائی میکنند. انقلاب ایران با این دار و دسته‌ها و امثال آنها را گناه زنده.

درود بر روان پاک شهیدان قیام
بهمن ماه ۱۳۵۷
راهنمایان همواره
پوینده باد

www.iran-archive.com

اخبار کردستان

مسئول جنگ کامیاران کیست؟

وقایع چند روز گذشته، عرب میهنمان نمی تواند نگرانی مردم و نیروهای انقلابی را برنیانگیزد. چرا که ما شاهد حوادث طوری اتفاق میافتد که خاطره سوم هجوم وحشیانه ۲۸ مرداد گذشته به کردستان را دوباره در خاطره ها زنده میکند.

در کنار جای خوش در کامیاران، باوه، بوسودو... همگی بلااستثناء با تحریک جاسپای خائن (همون نمی زاده، محمدناهید و...) برخی از پاسداران، مردوران ساده، سران ارتشی و محیطهائی از همین جا که صورت گرفته است و عمقی خواه سرآمده خدا از این نیروها سرزده، سابقه خائنانه آنان نکبت بخورد، جنگ دیگری که با رغم چون نیل منفع ضحک از خلقهای ایران سبب دوباره سرخواهد گرفت.

مبارزه نحو و نگارچه مردم سنندج تعدی ۲۹ روز بحص دراستان داری و مسجدها تا تعطیل عمومی که بدور خواست اخراج پاسداران آغاز شده بود، باعث شد که شورای انقلاب مجبور به بیرون کشیده شدن پاسداران از شهر مذکور گردد. این عقب نشینی به مذاق پاسداران متعصب و بخصوص خانها، که بسرزنش نرس ضربات خلق گرد بر پیکر پوسیده آنها وارد گشته است، خوش نیامد. و را بر نیروی وظیفه کثیف و خائنانه حمله به شهر کامیاران را مدارک دیدند.

در ساعت ۳/۵ صبح ۵۸/۱۱/۱۰ یک اتومبیل کمپی سمت که های سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)، متوجه میشود که اتومبیلی که بر روی آن سر بار فراوان شده بود در کنار جاده خارج شهر پارک شده است. آنها به اتومبیل مشکوک شده و سعی میکنند از کم و کیف جریان سردرآورند. اما پاسداران خائن که اتومبیل به آنها تعلق داشت، با جوانمردانه بروی پیشمرگه ها شلیک میکنند که

پیشمرگه موفق میشوند. اما با وارد کردن ضربات پی در پی وضع را که فکر می کردند مرد است رها کرده و به ادامه اجرای وظیفه خائنانه خود میروند. پیشمرگه مدکور جان سالم در میبرد.

از این واقعه چند نتیجه گیری هائی موجود

بقیه در صفحه ۱۷

خلع سلاح سپاه شیخ عثمان ساواکی یک وظیفه انقلابی است

خطاب به:

مردم دلیر کردستان

هیئت نمایندگی حلق کرد

سروهای انقلابی

پس از خلع سلاح انقلابی بحسبای معینی از دار و دسته "سادر رکاری" از جانب سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و توده های وسیع مردم دلیر کرد به بسیاری تا طغیانهای عمل انقلابی برخاسته و تکلیف ما نیز به نوبه خود در تائید و تحکیم این موضع انقلابی در حد توان خود کوشید.

مدتی از اعتلای این مبارزه نگذشته بود که حامیان مرجع عمال معینی را در خلاف همراه با پاسداران مردور مستقر در کرمانشاه، بدنبال یک حمله عاملانه و از پیش طرح ریزی شده (این دار و دسته حسینی اعلامیه ای هم انتشار داده اند که این واقعیت را تائید میکند! اطلاعیه شماره ۲) به شهر کامیاران، جنایات سوینی را مرتکب شده و مدتها به کوشیدند که این شهروندان را به زیر سلطه مرتجعانه خویش درآورند.

و حال در هنگامیکه از یک طرف محافل مرجع و جنگ افروز در هیئت حاکمه از رژیم نوکران خود (عباسیان و سجادی و...) وقوع حوادث کامیاران را به سرزنشی برای سوءظن جدید و حمله علیه نیروهای انقلابی در کردستان تبدیل کرده اند و در هنگامیکه از طرف دار و دسته های هوادار شیخ عثمان و عده ای از رئیس مرکزهای فریب خورده "سپاه رزگاری" میکوشند به عناوین مختلف عمل انقلابی خلع سلاح رزگاری را در پس مردم بعنوان یک کار "غلط" و "ناحیه" "ارتجاعی" جا بزنند و از این طریق در میان صفوف زحمتکش خلق کرد نفرت

استفاده و برای شیخ عثمان ملعون هوادار بخرند... در چنین شرایطی، ما با هدایت اعلامیه ها، اطلاعیه ها، و اظهار نظرهای متعدد و مکرری از جانب رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق (دفتر سنندج) و رهبری نیروهای طلب حزب دمکرات (کرجدار و موضع مسعود)، هستیم که بدینه ما تنها می تواند موضع انقلابی را تصحیح کرده و سایج ریاستمدی را بار آورد.

رهبری فدائی (دفتر سنندج)، چه خود بدانند و یا ندانند، با انتشار اعلامیه مورخ ۵۸/۱۱/۱۱ و با نحوه استنادی که در پیش گرفته اند، امروز به دوب گرفتن پس مانده های "سپاه رزگاری"،

بقیه در صفحه ۱۷

اطلاعیه شماره ۱۳ هیئت نمایندگی خلق کرد درباره وقایع کامیاران، پاوه، دیواندره و...

هم وطنان مبارز!

خلق زحمتکش کرد!

در پی یک روز پس از سواحی خروج پاسداران از شهر سنندج، در همین روز که مردم شهر سنندج پس از یک ماه اعتصاب و تحصن با پاسداران نیروی سپاه پاسداران و بندگی خائنانه خود بازگشته اند، توطئه جدید رژیم با هدف علیه خلق کرد و انقلاب ایران و با هدف تحمیل دست نشانده در کردستان آغاز شده است.

صبح دیروز عده ای از پاسداران و نیروهای سپاه پاسداران کامیاران حمله کرده و با قتل و جرح عده ای از اهالی شده اند. نیروهای خود سرو و تروریستی با استفاده از عملیات ترک داده و اطراف شهر را تظلیل نیرو ایجاد کرده اند. تمام نیروهای سپاه و رهبری حمله کرده و با تمام تسلیحات سنگین و سرعت بسیار در ساعات بعد از ظهر شروع به تیراندازی شروع کرده و خسارت جدی وارد کرده اند. تا کنون ۹ شهروند

بقیه در صفحه ۶

www.iran-archive.com

سپاه رزگاری را بشناسیم

اخبار کردستان

مدتی از لشکرکشی ناجوانمردانه به کردستان نگذشته بود. طی کرد و سازمانهای انقلابی مبارزه در مقابل یورش نیروهای مسلح رژیم در کم کم زمزمه‌های غیررسمی، دال بر آغاز مذاکره مسلحانه میان کردها و تشکیلاتی جدید الولاده به نام "سپاه رزگاری" اعلام موجودیت کرد. ارجمند اول برای عمده سروهای سیاسی دست اندرکار در جنبش طی کردروس بود که "سپاه رزگاری" چه بوده است. جرا که گرداننده‌گان اصلی آن غیاب بودند! والبته شورم شنیدن از سخنگویان، سران سخنگویان سعی مادح و ناصح نمیشدی و سنگ بری افراد ناراکی و تشویش کردن کلیف.

سخنگویان کمیته و جراحیاتی به نام "سپاه رزگاری" برادا شاد!

سخنگویان با خواندن این عنوان با عده زیادی از سران و مسئولین دال بسرداری عراق در اوائل سال ۱۱۳۸ بدار برگرده و بدار آویخته شدند. علت برآشفتگی سرسپردگی عکس ملک تمیل کدیوکر سرسپرده انقلابی بود. جنبش عضلانی و دارو دسته‌اش همواره از طلاق و دلتنگی و ناطع رژیم شاه مخلوع بودند و رهائی هم که بدار برپا شده شدند و کرد سیاسی دو صد حیا رنگ. مثلا در گفتار "سنبیدو سنبیدند" میخواهیم که سخنگویان "روز بعد بحضور با عنوان آرا میرا اعلام نمایند سرتیپ را از اب جوده و مرداد مدنی وطن بنی را بحضور سپرداری سروس داشته و با شاه همین بدل عنایت بخصوص حضرت سخنگویان سراج الدین سنندجی (سخنگویان) و عموم مسلمین را بسر احم خویش امیدوار ساختند." بسر از روی سعی ناصح و ناصح سردردستگاههای رژیم شاه سابق مشغول خدمت بودند. آنها همگی در زمان بالاتری جنبش انقلابی مردم ایران را سرکوب و در عقب چاپلوسانی بودند که توسط حکومت سابق بر علیه جنبش مردم بکار گرفته شدند.

بعد از شام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه سال قبل، عضو دارودسته در ارتباط سردمک با افراد و هیاتی در دولت نزد کردستان. صدرک ؟ سر

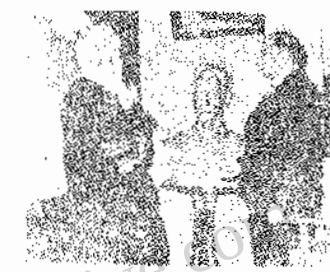

اسلامی سخنگو آقای مطب زاده را به اسلام بی‌کرامت و اعلام کرده که "اسپا شخصیتهای مهم کرد" بوده‌اند. طی "شخصیتهای مهم کرد" اما شخصیتهای مرحوم که همانا کشاورز آقای مطب زاده و مکری را که او هم در همان سر با دهسرکت داشت، و اما الیم بی‌ساسی. چه شد که اسپا به تلویزیون دعوت شد و توسط چه رابطه‌ای؟ جلی روشن است. توسط همان رابطه‌ها شی که در دستگاه شاهی وجود داشته و همان ارتباط آقای مطب زاده خواسا رحیم و تشریف این رابطه‌ها و در آخر سیم را جنبش همان دستگاه در سر عوده محدود ساختی که دارندگان این تمیل سروها هستند. در عین حال از ارادتمال "سپاه رزگاری" شی هم سخن جدال است که رهائی دولتمند مشی زاده تداعی می‌شود.

جرا دارودسته سخنگویان ناگهان "سپاه رزگاری" را سراغ ایجاد شد؟

امپریالیسم آمریکا، با سالاری ترین سازوبرگ ضد امپریالیستی خلقهای ایران به تکنیکهای خویش جهت برادا شاد سرنگونی شاه و سرکوب انقلاب مردم ایران در ایجاد شرایط مخوس داخلی که زمینه را جهت برای کودتا و حمله‌ای نظامی مهیا می‌کند، اشرود. بدست عمالیهای "حزب جمهوری خلق مسلمان"، برادا شاد در دارودسته تشکیلات عجیب‌ای "اتحاد المسلمین" تلویزیون و سرسولدنا گنیاسی "سپاه رزگاری" عضوی در ارتباط با این سناریو مخوس امپریالیسم آمریکا است که تا حد سوجیح مساعد.

"سپاه رزگاری" مطلوب الحال از همان ابتدای شروع، سر لوحه کار خود را "سرکوبی رژیم آخوندی" قرار داد. در برخورد مسائلی محور آن بس و احترام جنگ تحمیلی، تمرکز تحریک کننده، برای مردم رژیم آن بس و سرا داشتن جنگ را ایفا نمود. در هر سان در شهری های سنندج ۵۸/۱۰/۱۲، که دارودسته انقلابی ما سرا سپرده شد از مردم سپرده‌ای را به هلاکت رساندند.

سپاه رزگاری "شی کرد دست این جرقه‌ای که میرفت تا بوقلمون جامعه، دارودسته و سران ارتش

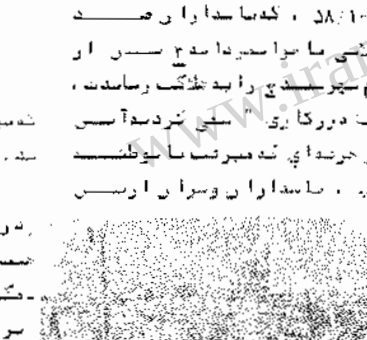

به شکلی وسیع تبدیل گردد. سپاه دیگر "رزگاری" نیروهای کس و سروی کمکی در این طرف برای جنگ آنها در آن طرف بود.

امپریالیسم آمریکا که کشور از خصمی سخت برای نیروهای در حال گسترش آنجا و سریع در پی راه انداختن "سپاه رزگاری" تمام تردا است بطوریکه تبدیل از احساس تکلیفی مستحکم از لحاظ دروسی، سیل اسلحه و امکانات مالی را

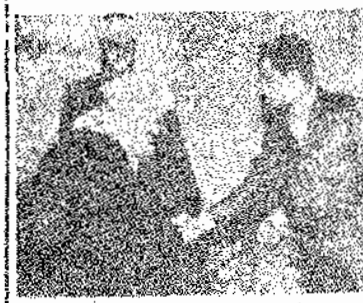

بسوی ایران گسیل داشت تا بوسیله این امکانات بتواند این تشکیلات را مستحکم نماید. "سپاه رزگاری" با کرنش سیستم کمکهای رسانی که از مردم معمولی و بخصوص زحمتکشان بودند، بدون اینکه اسم امام در روسی با قدمت کاملا مرتبه‌ای بود و عمل قاطع رفقای سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران بوروسه این سعادتهای دروسی "رزگاری" بود

که میرانست موفقیت جزیی کسب نماید.

حال سئوال مستحکم آشاعره در این به تشکیلاتی که ماهیت این جنبش روس است به منع مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران ضرب باید؟ عدد در صد ضرب، جنبش اساسی میرمیبود تشکیل کرد که شعروهائی واقعا طرفدار جنبش دمکراتیک وطنی ایران هستند و ضد شاهی هستند. مثلا دولت به تنها از این عمل گومه‌له در تمام سعی کند که هیچ، عمل جلو سلاح را برنامه‌ها اصطلاح مسرک گومه‌له رزگاری نیز معرفی می‌نماید. جرا کشتار نیروهای انقلابی بیشتر هراس دارد تا از نیروهائی همچون "رزگاری" اصلا از "رزگاری" هراسی ندارد چرا که عضو رهبران "رزگاری" بودند که عمل دست مطب زاده و بوسیله خود وی به نام "نماینده کنار جلو کرد" معرفی شدند. حرب تشکیل نموده هم که روس است چه موضعی اتخاذ میکند. ما در مقاله‌ای در همین شماره به موضع حرب نموده برخورد کرده‌ایم. ما و مردم ایران خواهان این رهبر خرباسی چون "سپاه رزگاری" بوده و همه باشد در این راه گام نهیم.

www.iran-archive.com

سیاست خارجی ....

لجاجت مورد، بعبارت دیگر ایشان مدگمو نیست هستند ولی به درجه تیاری با تدبار رشان و پیچیدگی و .... بلکه کمی ملایمتر، بهمین اندازه مخالفت ایشان با دراپردرت سرما به مشیعات طبقاتی و ایدئولوژیکی ـ مان آن قاطعیت نیروهای رادیکال و انقلابی را دارا نیست و ملایمتر می ـ باشد و همانگونه که در بسیاری مسایل اجتماعی ـ سیاسی "موضع وسط" اتخاذ می نماید، در مورد سیاست خارجی ایران نیز از یک موضع "وسط" و منطبق با امیال بورژوازی متوسط (ملی) ایران حرکت مینماید.

اینجا بحث بر سر محتوای نظرات ایدئولوژیک و سیاسی آقای بنی صدر نیست، بلکه بر سر سیاستی می باشد که ایشان بعنوان یک عامل مهم درون مدرت حاکمه کنونی در پیش گرفته و تا کنون خواستی از آن را روشن نموده است. ظاهرا ادعا دارند که انقلاب و آمید سیاسی ایران را بر پایه سیاست استقلال بخود ولاغیر مستقل بدور این جهت خواهند کوشید. و نیز خواهند کو ـ شید که از "سیاست مستقل و ملی" در سیاست خارجی پیروی نمایند. آقای بنی صدر در طی مصاحبه خود با راحتی اظهار کرده اند که "اگر بخواهیم در دا ـ خل کشور استوار باشیم، باید سیاست خارجی مستقلی داشته باشیم. یعنی در ای مسا روابطی که در مدرت ما را تحمل نکنیم، سیاستمان خون و بستگی داریم که با آنها را رئیس نیریم، لیکن این امر بیان لازم دارد و تا اجرای برنامه کار ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران انشاء الله نکلیه این وابستگی ها پایان داده خواهند شد". (تکیه از ماست ـ اطلاعات، ۱۶ اسفند ۵۸)

همانطوریکه قابل ملاحظه است، آقای بنی صدر بر اساس که محور اصلی سیاست خارجی خود آنی ایشان بر عدم وابستگی به دو ابر قدرت آمریکا و شوروی می ریزی خواهد شد و بر سر برای سرانجام رساندن این امر بیان ـ در حدود ۲۰ سال ـ لازم می رود. مفهوم "استقلال" برای ایشان در سیاست خارجی ایران از این حد فراتر نمی گذارد. استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه بمثابه یک کلیت واحد در نظر گرفته نمیشود، بلکه محدود است و آنهم به عدم وابستگی به دو ابر قدرت ـ برین قدرتهای تهدیدکننده استقلال ایران، یعنی شوروی و آمریکا ـ تاریخ گذشته حیات ایران تا هد چنین رجل سیاسی ـ و با چنین سیاست های مناسبی ـ بوده است. امیرکبیر، مصدق السلطنه و ... که همگی بر اساس سرمفروض "موازنه منفی" و با بقبول خود آقای بنی صدر "موازنه عدمی"، سیاست خارجی خود را سی ریزی کردند. تا کمی دقت ملاحظه میشود که آقای بنی صدر سیر و همان سیاست پراگماتیستی بورژوازی متوسط و روشنفکران وطن پرست طبقات دو نا ـ می جامعه می باشد. حلقه مرکزی این سیاست نظاهر "مستقل" چنین است که حاکمیت سیاسی ایران از مدار رقابتهای دو دشمن بزرگ منافع با (در زمان مصدق ـ شوروی و انگلیس ـ با توجه به اینکه از نظر مصدق شوروی سوسیالیستی آنزمان بمثابه دشمن محسوب میگشت در حالیکه شوروی زمان استالین دوست ایران بشمار می آمد) خارج گشته و برای خروج از این مدار رقابتها متوسل به نیروی ثالثی می ـ گردد که در زمان مصدق آمریکا این نقش را ایفا نمود. در زمان بسر و طه سپرگه روسیه تزاری و امپراطوری انگلیس بر سر صاحب ایران دست به سیاسی و رقابت میزدند، بورژوازی ملی ایران و به دنبال آن روی از آن خرده بورژوازی، برای فرار از این موقعیت دست بسوی کشورهای ظاهر "دوست" چون سوئد و آمریکا دراز کرد ـ ند. آقای بنی صدر بر همین سیاست کهنه و ورشکسته بورژوازی ملی ایران را در شرایط کنونی در پیش گرفته است. توجه کنید که در طی همین مصاحبه جنوبه آقای بنی صدر در صدد یا تنس فصل مشترک میان منافع ایران و نیروی ثالث، یعنی با کشورهای امپریالیستی (جز آمریکا و شوروی) می باشد. "اما کشورهای اروپائی و ژاپن به نظر این کشورها دچار ضعف اند. ما را دو ابر قدرت فرصت را بر آنها تنگ کرده اند. بنابراین آنها دولت های قوی نیستند و قدرتی بشمار نمی آیند و آنقدر هم ضعیف نیستند که نتوانند خود را اداره کنند. ما یک رشته مشترک با آنها پیدا کرده ایم. به حیث آنکه هم ما و هم آنها زیر سلطه ابر قدرتها هستیم. کشورهای اروپائی و ژاپن به منابع ما نیاز دارند و ما به تکنولوژی آنها. اگر این کشورها بیدیرند که با ما برابر رفتار کنند. گرینه رفتاری نکنند، در برابر ما ای که برای رشد خود داریم، با آنها مبارزه خواهیم کرد و بین ما و آنها همکاری به وجود می آید. لیکن اگر بگویند نظرات ما را نا پذیرند، آنوقت میان ما و آنها همکاری مشترکی وجود نخواهد داشت. در چنین صورتی ترجیح خواهیم داد راهی را انتخاب کنیم که ما را دیر تر به سرمنزل مقصود میرساند، ولی به تکنیک خودمان مجبور خواهیم شد."

آری ما با اینسد از امپریا ـ لیستها "فصل مشترک" و "دشمن مشترک" داریم. آنها قوی هستند، به نفت ما احتیاج دارند، ما هم به تکنولوژی آنها، ولی اجازه "تیره رفتاری" هم نمی دهیم و ... گرچه ممکن است آقای بنی صدر فراموش کرده باشند، ولیکن مردم ایران آرا دیگر بر سر که سیا ـ ستمداران بورژوازی ملی ایران در گذشته در مورد آمریکای امپریالیست می گفتند، آمریکا چشم طمع بکشور ما ندارد، دموکراسی است، از کشور ما دور است، دشمن مشترک با آن داریم و .....

معنی سیاست "موازنه عدمی" آقای بنی صدر همین است. در ظاهر نگفته به هیچ نیروی خارجی، در عمل گام نخستین در جهتی که به نیروی "ثالثی" نگفته خواهد برد، بر میان سیاست با روسیه و بنی صدر هم در این گذاشته ولی نگفته بر چه نیروهائی

امپریالیستی را بشار می آورد، و دو ـ می بر چسب ارتجاعی را سیاست بنی ـ صدر اگر چه به خطرناکی سیاست ضد ـ انقلابی بازرگان و شرکایش در حزب جمهوری اسلامی نباشد، ولی بهر حال خطرناک است و در بیابان به استقلال کشورمان، که اینهمه شهید برای آن داده و خواهیم داد، بخواهد رساند.

آقای بنی صدر به یک پندار ـ گرائی محض دچار شده اند زمانیکه اظهار میکنند که با دول اروپائی و ژاپنی در جبهه دیگری در مقابل و آمریکا قرار دارند، و اصحاب روز ـ و از جمله اشراک مساعی این کشورها به نیروی ارتجاعی امپریالیسم آمریکا در تحریم اقتصادی ایران و اشغال آرا ـ شان در سازمان ملل بر علیه ایران، هنگی بیانگر آنست که بر خلاف نظرات مملو از توهم آقای بنی صدر دول امپریا ـ لیستی اروپائی و ژاپنی همدستان ـ و در عین حال رقیبان ـ امپریالیسم آمریکا میباشند و هیچ تعارضی هم بر سر سرحبا و ل منافع و تعارض ایران با کمی ندارند. اینکه آقای بنی صدر به دنبال مارکت با این دسته از رقیبان ـ خواران امپریالیستی میباشد، هیچ طرفی بخواهد بست بگوکام کداشتن در جهتی که داشتن همان آمریکای در کمین نداشت. ✻

www.iran-archive.com

بسراغ ...

آنچه در زیر میخوانید، بخش تشکیلاتی این طرح است که از چاپ "اتحاد انقلابی برای رهائی کار"، "اتحاد به کمونیستهای ایران"، "بیوند"، "مبارزان راه طبقه کارگر"، "مبارزین آزادی طبقه کارگر" در جزوه "وحدت مبارزه مرکزی و محوری نیروهای م-ل" اخیرا منتشر شده است.

طرح پیشنهادی

اکنون با توجه به مطالبی که در بالا گفته شد، میبینیم که نقطه تعیینی برای به وحدت رساندن نیروهای م-ل یعنی اتحاد حزب کمونیست باید در پیش گرفت و خصوصیات آن چه باشد باشد. به عبارت بهتر باید دید کام چنین دراین راه کدام است.

هر طرحی که در نظر داشته باشد نیروهای م-ل را متحد کند باید دست کم از وحدت را نشان دهد، هر طرحی که بخواهد واقع بینانه و عملی باشد احتیاج را باید واقعیات خارجی که بطور عینی مورد ارزیابی قرار گرفته اند، متکی باشد. در غیر اینصورت آن طرح و نقشه هر چند با کلیات زیبا و جملات پرمایه نوشته شده باشد، چون بر واقعیات عینی استوار نیست، نخواهد توانست گرهی از مشکلات موجود بگشاید و بالاخره بصورت کلیاتی بیجان بر روی کاغذ باقی خواهد ماند. این طرح و نقشه دست کم باید با طرح مورد واقعیت زیباشد.

اول، ارزیابی از واقعیت:

وجود بحران ایدئولوژیک، تشتت و پراکندگی در صفوف نیروهای م-ل، عدم وجود حزب کارگری و دفاعی و ملی از یکسو و وجود نیروهای سیاسی اجتماعی و خلقی که در پس مرزبندی و یا سیاست داری از این موضع اساسی، برای سیاه کردن نقاط مخدوش هستند، از سوی دیگر.

دوم، وضعیت مشخص نیروهای م-ل:

سست ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی، فاقد تجربه کاری و مبارزه کارگری، تعالیت ها، کارها، تماس ها، ... وضعیت مورد بحث نیروهای مارکسیست، و عناصر و جریانات، وضعیت نیروهای رفرمیست و سازشکار و ...

از دو واقعیت بالا، مشخص میشود که به سیاه مسئله وحدت نیروهای م-ل مسئله مرکزی آنها است بلکه با توجه به اوضاع بسیار حادکنونی روند تحقق آن باید هر چه زودتر سرعت ممکن طی شود.

سوم، آنکه تحریبات نشان داده است که هر طرح برای وحدت ملحوظ شود، از جمله آنکه طرح در حد حملات و عبارات کلی باقی نماند بلکه اساس را لازم برای اجرای طرح پیش بینی شود، مسئولیتها، اختیارات، مناسبات و ... مشخص گردد، نقطه آغاز و پایان و چگونگی حرکت از آغاز به پایان معلوم باشد و به عبارت دیگر طرح باید از هر نظر مناسب اجرائی داشته باشد. چنانچه برای اجرای طرح خود از اهرم لازم آگاه باشد که مبارزه ایدئولوژیک مسلم، و مثلا در نظر داشته باشیم که مبارزه ایدئولوژیک برای حل مشکلات موجود به صورت خودبخودی و "طبیعی" به پیش رود، قهرا دچار دنباله روی خواهیم شد و چه سود که کمی بیشتر برای افراد و یا بیشتر برای طرفداران و علاقه مندان بیشتر نیروهای چپ م-ل حاصلی نخواهیم داشت.

از این جهت سودمند است در این موقع از توضیح طرح پیشنهادی شرایط و اوضاعی را که این طرح بر اساس توجه به آنها تنظیم گردیده مورد بررسی قرار دهیم.

اکنون ابتدا نقطه نظرهای خود را بصورت زیر خلاصه میکنیم:

۱ - هر موضع یا "تحلیلی" که پراکندگی حاضر را مورد تایید قرار دهد آنرا تحت عنوان مبارزه سیاسی (مثلا تحت عنوان سیاست مشورتی انقلابی) توجیه کند، با درست ندانستن موضع مربوط را دنباله رو، با سیاستی و شدت گرایانه ارزیابی میکنیم و آنرا مربوط در شرایط کنونی، بدحساب نمیدانیم.

۲ - ما هدف اصلی تحقق کنونی (ایدئولوژیک خلقی) را کوشش در جهت اتحاد حزب میدانیم و تحقق مبارزه ایدئولوژیک برای رسیدن به تشکل نظرهای پرولتری بر مسائل مهم جنبش و وضعیت اجتماعی، اجتماعی و سیاسی جامعه، وظایف م-ل ها، مسئله پیوند با طبقه کارگر و مردم، مسائل تشکیلاتی و مسائل عمل بین المللی کمونیستی ... اکنون رابطه با آنها انقلابی پرولتاریا و کارگران است. بنابراین اتحاد حزب ... نوسط کمیته هائی که در سر نظر مرکزیت فرار دارند، میباشد.

وظیفه محوری این تشکل، سازمان دادن یک حرکت برای ایجاد حزب است. این وظیفه از طریق دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک، ایجاد تحول در همه گروهها از طریق مرتبط کردن مسئله وحدت (حزب) و همچنین مسائل واقعی جنبش، کار در جنبش کارگری و توده ای، جلب پیشروان طبقه کارگر، همکاری نزدیک و وسیع با نیروهای انقلابی و مترقی در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی... صورت می پذیرد.

تشکیلات مزبور دارای یک مرکز کنترل موقت (شورای موقت) مرکب از نمایندگان محافل گروهها (از هر گروه یک نماینده یا بیشتر) بوده و دارای نظامنامه ای است که مناسبات تشکیلاتی اعضای مرکب کننده و حدود اختیارات، مسئولیت ها و وظایف کمیته ها را معین می نماید. رعایت نظامنامه و اجرای کلیه تصمیمات، تحقق یابد است. مرکز کنترل مزبور دارای ارگانهای اجرائی، سیاسی - ایدئولوژیک و یک کمیته بررسی و تعیین گروهها خواهد بود.

بدین ترتیب شکل اجرای طرح بالا بصورت زیر خواهد بود:

- تشکیل مرکزیت موقت (شورای موقت) از گروههائی که با این طرح موافقت دارند یا به آن می پیوندند و تنظیم و تصویب نظامنامه داخلی.

- تنظیم یک بلاتفرم سیاسی (برای دوران کنونی) که علاوه بر تعیین معیارهای جنبش کمونیستی شامل ارزیابی از اوضاع سیاسی جامعه، هدف حاکمه و وظایف رسالت کمونیستی م-ل ها باشد. تهیه، تصویب در پرسی، بررسی و تصویب این بلاتفرم در طی ۲ - ۱ ماه انجام خواهد گرفت. این بلاتفرم تصمیم گیرنده ها و ارگانهای لازم و حدود اختیارات و مسئولیت آنها تعیین خواهد شد.

- انجام مطالعات سیاسی و اعداد حاصل مرکزیت موقت در امر تنظیم بلاتفرم مورد بحث و قطع نمایندگی سیاسی (از طریق اعلامیه، نشریه، رادیو، ...) و همچنین واحد کردن سازمان در جهت نمایندگی سیاسی طبقه کارگر.

روش اساسی تشکیلات در جریان آماده کردن برای دوران تنظیم بلاتفرم سیاسی و تشکیلاتی و ایجاد حزب ... با ... مسائل ... سیاسی م-ل ها ...

www.iran-archive.com

پیرامون ...

سخت انحرافی و منحط است که در برابر ایدهٔ طبقهٔ کارگر قرار دارد. این تئوری علیرغم ظاهرش، پراکندگی را چه در جنبش کمونیستی و چه جنبش کارگری تشویق میکند و بر سکتاریسم موجود میافزاید. رفقای "سیکسار" در جریان کار کنفرانس وحدت، هر کجا که مانع خودشان ایجاب میکرد، در کار این کنفرانس کارشکنی می‌کردند. معیار فقط یک چیز بود، آیا فلان حرکت، موقعیت مرا تقویت میکند یا تضعیف! آیا با این طریق میتوان وحدت جنبش کمونیستی را به دست آورد؟ مطمئناً خیر!

از این گرایش، که یک گرایش ایدئولوژیک خرده بورژوائی و روشن‌فکرانه است که میکوشیم، به محفلها و انحرافات سیاسی - تئوریکی می‌رسیم که هم از گرایش فوق سعدیه می‌کنند و هم آنسخور آن هستند. مادر "حقیقت"، شمارهٔ ۳۶ (۲۰ مرداد ۵۸) در مقاله‌ای زیر عنوان "انحراف اصلی جنبش ما" پس از بررسی شرایط "کنفرانس وحدت" نوشتیم که "پدیدهٔ ناگزیر جنبش کمونیستی ما از بسیاری دردها چون فقر و تنگنای تئوریک، خرده‌کاری و پراکندگی، سکتاریسم و گروه‌گرائی، بالاخره عدم پیوند با طبقهٔ کارگر و تودهٔ مردم رنج میبرد، لاکن اینها هیچیک انحراف اصلی جنبش ما نیستند. انحراف اصلی جنبش کمونیستی ما که در شرایط کنونی بایستی انحرافات و دردها از آن تغذیه نموده و آنرا می‌پرورانند، راست روی و محافظه‌کاری و اکنومیسم میباشد." ما در مقالهٔ فوق توضیح دادیم که در شرایط غلبهٔ انحراف اکنومیسم، اساساً ضرورتی به مبارزه برای وحدت جنبش کمونیستی نبوده و بلکه پراکندگی و خرده‌کاری، شکل تشکیلاتی منطبق با این انحراف میباشد. امروز با گذشت چند ماه از آن دوره و بالا گرفتن مبارزهٔ ایدئولوژیک و آشکار شدن انحرافات نهان در بسیار گروهها و سازمانهای جنبش ما که به شکل انحراف "چپ" منعکس شده است، با مدافعان کردکدام اسس ارزیابی دیگر کامل نبوده و بر ما بسیار یک مبدا از انحرافات غالب بر این جنبش است. امروز باید گفت که این انحراف، انحرافی است اپورتونیستی - اکنومیستی که به شکل درک چپ روانه از وظایف طبقهٔ کارگر در انقلاب رهائی بخش مردم، بشکل در حرف "چپ" و در عمل راست، بشکل وارونه دیدن تضادهای اساسی انقلاب و وظایف طبقهٔ کارگر متبلور شده. در عمل با اکنومیسم و راست روی عجین میباشد. پراکندگی و خرده‌کاری کماکان شکل تشکیلاتی مطلوب این انحراف است.

از این که بگذریم به مسئلهٔ اختلافات سیاسی - تئوریک و ایدئولوژیک موجود در جنبش کمونیستی می‌رسیم که بخش مهمی در حفظ این پراکندگی دارد. اما "کنفرانس وحدت" از آنجا که غرق درد و انحراف بین گفته بود، حتی نتوانست یک بحث جامع بر سر اختلافات موجود در جنبش ما انجام دهد. همه‌اش بحث بر سر این بود که چه بحث سود و چگونه بحث شود و چه هدفی داشته باشد. این مباحث سپس از ارائهٔ مبارزه‌ضد امپریالیستی جاری حاضر، و آنهم خارج از "کنفرانس وحدت" دائر گرفت و ابعاد اختلافات موجود را عیان ساخت. آشکار شدن این اختلافات نشان داد که زیر چتر شعار "کنفرانس وحدت" انبوهی از اختلافات خوابیده بود که با تکامل مبارزهٔ اخیر بیدار شد. بدون غلبه بر این اختلافات، وحدت جنبش ما میسر نیست. لاکن غلبه بر این اختلافات نیز نمیتواند بدون یک همگرائی همگانی صورت پذیرد. بهانه کردن این اختلافات و حفظ پراکندگی کنونی به این بهانه، خطاست. اختلافات عموماً از دو نوع اند، یکی آنهائی که از اختلافاتی که در چهارچوب یک حزب واحد ما دوستان و ما سعی در فعالیت حزبی پدید می‌آورند، دیگری آنهائی که از اختلافاتی که در چهارچوب یک حزب واحد ما دوستان نیستند و بدون برطرف کردنشان وحدت این جنبش میسر نیست. اختلافات کنونی ما، از کدام دسته‌اند؟ پدیدهٔ ما از هر دو دسته. بخش زیادی از اختلافات کنونی متعلق به دستهٔ اول است، اما بحث تاثیر سکتاریسم غالب بر این جنبش و روابط میان گروههای آن، به اختلافات از نوع دستهٔ دوم تبدیل شده‌اند. بخش دیگری از اختلافات کنونی، متعلق به دستهٔ دوم است که بدون برطرف کردنشان وحدت این جنبش میسر نیست. باید میان این دو دسته اختلافات تمایز گذاشت و برای برطرف کردن اختلافات اساسی مباحث ایدئولوژیک را متمرکز کرد. مبارزهٔ ایدئولوژیکی که پس از اشغال جاسوسخانهٔ آمریکا آغاز شده است، این حسن را دارد که بر پاره‌ای از اختلافات اساسی موجود در جنبش ما دست گذاشته و حل آنها را طلب کرده است. لاکن این مبارزه نیز با شیوه و محدودیتی که تا بحال داشته است نمیتواند به نتیجه مطلوب برسد. مبارزهٔ ایدئولوژیک نباید محدود به صفحات روزنامه و نشریات حزبی و انتشار از جانب گروهها باشد. عناصر پیشرو و اعضاء و هواداران سازمانها و گروهها باید صرفاً نظاره‌گر این مبارزه بوده، در انتظار سرانجام آن بنشینند. دامنهٔ این مبارزه باید گسترده شود. این مبارزه زمانی میتواند از محدودهٔ صدور احکام کلی و خط و نشان کشی و سرجنب زنی خارج شود که با مسائل عملی و آنهم در عمل پیوند یابد، زیرا در عمل است که بالاخره درستی یا نادرستی همهٔ احکام و نظرات اثبات میگردد. چگونه میتوان این مبارزه را به عرصهٔ عمل کشاند. اعضاء و هواداران گروهها و سازمانهای درگیر در این مبارزه در سطح جامعه، در کارخانه‌ها، دانشگاهها، مدارس، شهرها و محلات و دهات مسئول مطالبات و مبارزات روزمره‌ای مطالبهای با مسائل متعددی روبرو میشوند که رابطهٔ مستقیم با مبارزهٔ ایدئولوژیک جاری دارد. اما تا زمانیکه این نیروها جدا از یکدیگر به فعالیت مشغولند و رابطهٔ منظمی میانشان وجود ندارد، نمیتوانند در عمل این مبارزهٔ ایدئولوژیک را با فعالیت مبارزاتی خود پیوند دهند. پس مبارزهٔ ایدئولوژیک باید با همکاری پیوند یابد و اگر این همکاری میسر نیست، لااقل ارتباط منظمی جهت پیشبرد این مباحث در سطح توده‌ای باید بوجود آید. مبارزهٔ ایدئولوژیک باید هم از بالا (نشریات، جلسات بحث نمایندگان سازمانها) و هم از پائین (ارتباط میان اعضاء و هواداران گروهها و مبارزه در محیط فعالیت عملی) سازمان یابد. آنگاه بدون یک نقشه و برنامهٔ حساب شده نتیجه مطلوب را بسیار نتوان آورد.

حال با توجه به برخی از دلایل عدم موفقیت "کنفرانس وحدت" چه باید کرد؟ چه باید کرد؟ بیشتر وجود ندارد، یا بحثی سه جنبش "کنفرانس وحدت" بوجود آید که در سهای سنتیجه‌ای مشترک چه با حال بدست آمده بیابد و بخواهد آورد، یا هر گروه و سازمانی بر روی دسیال کار خودش، یا جذب شود و یا جذب کند و یا با گروهی مشابه خود وحدت کند، که این نیز مطمئناً گرهی از کار این جنبش نخواهد گشود. و بالاخره راه سوم آنست که با جمعبندی که نکات منفی و دلایل عدم موفقیت "کنفرانس وحدت"، کوشش متحد و مشترکی جهت ارتقاء موقعیت کنونی سازمانها و گروههای جنبش کمونیستی و روابط میان آنها بوجود آورد. ما مدافع این راه هستیم. هر پیشنهادی باید در برگیرندهٔ پاسخ باین سئوال باشد. آیا راه پیشنهاد شده، شرایط این جنبش را به عقب برده، در موقعیت کنونی حفظ میکند و یا بالاخره آنرا ارتقاء میدهد؟ ایجاد کنفرانس مشابه "کنفرانس وحدت" تکرار تجربهٔ آزمایش شده‌ایست که نتیجهاش از همین حالا معلوم است. حدود یک سال از وقت گرانبهای جنبش ما صرف کسب این تجربه شده است، تکرار آن موردی ندارد. کسب شدن گروه ما و پیشنهاد "هر کس برای خود" را من زدن با رهم پیشبرد پراکندگی، سکتاریسم و خرده‌کاری است و نتیجه‌ای جز این جنبش ندارد و آنرا به عقب می‌برد. آنچه میماند، چگونگی ارتقاء موقعیت کنونی جنبش ما است. ارتقاء این موقعیت و طرحی که ناظر بر این ارتقاء باشد، باید با در نظر گرفتن مسائل تشکیلاتی، سیاسی - تئوریک و ایدئولوژیک کنونی جنبش ما و نیازهای عاجل آن چه در زمینهٔ مبارزاتی و چه مبارزهٔ ایدئولوژیک جهت رسیدن به یک خط مشی واحد باشد. تجربهٔ "کنفرانس وحدت" نشان داده است که حلسائی که هدفی جز بحث کردن ندارد و بیش از این در خود نیز میماند، راهگشای معضلات کنونی جنبش ما نیستند. "کنفرانس وحدت" نشان داده است که چنانچه ضوابط معین تشکیلاتی حاکم بر روابط فی مابین گروهها نباشد، پراکنده‌کاری امتداد مییابد، "کنفرانس وحدت" نشان داده است که اگر ساخت ایدئولوژیک و سیاسی همراه با فعالیت مبارزاتی و عملی مشخص نباشد، تشتت ادامه می‌یابد. پس ما طرحی می‌خواهیم که با در نظر همه این ضروریات باشد. چنین طرحی که زیر عنوان "ستاد" یا "شورای مشترک" سازمانها و گروههای جنبش کمونیستی ما از جانب چند گروه طرح شده است، میتواند راه‌گشای معضلات کنونی جنبش ما بوده، آنرا ارتقاء دهد.

بقیه در صفحه ۳۱

www.iran-archive.com

برادران ...

اصلی ترین وظیفه‌ای ، یعنی تامین وحدت جنبش کمونیستی با شکست روبرو شد و در نتیجه ضرورتی به ادامه آن وجود نداشت . چرا این کنفرانس نتوانست وحدت جنبش ما را تامین کند؟ چرا پس از بیش از ۹ ماه فعالیت در شرایطی که ضرورت وحدت این جنبش بیش از هر زمان دیگر احساس شده و طلبیده میشود ، با پایان کار و انحلال خود را اعلام داشت ؟ چه موانع و نیروهائی سد راه این وحدت و تحقق وظیفه اساسی این کنفرانس بودند و چه عواملی این کنفرانس را به بن بست کشاندند ؟ با اعلام پایان کار کنفرانس وحدت چه باید کرد ؟ آیا این علامت اذان بست و پراکندگی در جنبش ما است و ما در آستانه یک دوران افتراق پراکندگی و تحجر بحران موجود هستیم ؟ اینها از جمله سئوالاتی است که خواهیم کوشید به آنها پاسخ دهیم .

" کنفرانس وحدت " نخستین تجربه گسترده جنبش کمونیستی جوان ما برای وحدت صفوف خود بود و فریب یک سال پیش تحت تاثیر انگیزه‌ای که برانگیخته از سازمانهای عامل جنبش کمونیستی ما و ضرورت وحدت صفوف آن بود ، بطور خودبخودی از تجمع بیش از ۱۲ گروه و سازمان از جنبش کمونیستی ما (معروف به خط ۳) بوجود آمد . تقسیم خودبخودی زیرا این کنفرانس نه بر مبنای یک برنامه آگاهانه جهت وحدت این جنبش ، بلکه بر مبنای ضروری که همکاری در تجمع صفوف این جنبش احساس میکردند بوجود آمد . در آغاز مدتی صرف معرفی گروهها و تعیین معیارها و ضوابط نیروهای شرکت کننده در این جنبش گشت . پس از مدتی معیارهای عمومی ۷ گانه تعیین شده و شرکت ۱۲ گروه و سازمان از جنبش کمونیستی ما در آن رسمیت پیدا کرد . از اینجا به بعد کنفرانس در یک مسیر اساسی گام نهاد . کنفرانس از همان آغاز ، مسئله مرکزی خود یعنی ایجاد صفوف وحدت کمونیستها و هم راستا و هماهنگ گام نهادن در جهت عامل وحدت ... [illegible] ؟

برای وحدت جنبش کمونیستی . لاکن این مسئله از همان آغاز به عناوین و دلایل و استدلالات گوناگون بزیر سئوال کشانده شد . گفته شد ، وحدت میسر نیست ، زیرا هنوز با طبقه کارگر پیوند برقرار نکرده‌ایم و وحدت ما ، جز وحدت تعدادی تشکلهای روشنفکری نتیجه‌ای نخواهد داد ، پس باید هر کدام به تنهائی و مستقلا دست بکار شویم و پس از طی یک دوره و گرفتن پایه در میان طبقه کارگر ، دوباره جمع شویم و آنوقت بسر وحدت صحبت کنیم . گفته شد ، ما تئوری انقلابی نداریم و تا زمانیکه این تئوری مسئله دست نیابد نمیتوانیم ، وحدت کنیم و این تئوری نیز تنها در اثر پیوند به طبقه کارگر بدست میآید و پس باید هر یک برویم و این پیوند را برقرار سازیم . تا تئوری انقلاب ایران بدست آید و بعد بر مبنای این تئوری وحدت کنیم . گفته شد ، وحدت امکان مذهب نیست و بلکه باید در یک چهارچوب عمومی و حداقل " ائتلاف " کنیم . گفته شد که وحدت و همکاری بدون وحدت کامل ایدئولوژیک میسر نیست و پس باید برای یک دوران به " مبارزه ایدئولوژیک " بپردازیم و پس از طی این دوران به بنای میرود ... نشینیم . گفته شد که این کنفرانس ، " ظرف " مناسبی برای ایدئولوژیک است و بدین ترتیب ، همه این استدلالات ، علیرغم انگیزه طراحانشان در یک نقطه مشترک بودند و هستند و آن ، حفظ موقعیت کنونی جنبش کمونیستی ما ، حفظ پراکندگی ، حفظ جدائی از طبقه کارگر ، حفظ درماندگی در ناسخگوئی به معضلات اساسی جنبش کمونیستی و جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران . همه این استدلالات ، یک دوره ، قبل از وحدت صفوف این جنبش قائل میشوند . یک دوره پایه گیری در میان طبقه کارگر ، یک دوره مبارزه ایدئولوژیک پراکنده ، یک دوره " ائتلاف " بی جهت و دور نما . همه این استدلالات یک مسئله اساسی را در نمی یابند و آن اینکه جنبش با سازمانهای پراکنده نمیتواند ، قادر نیست ، بدهیچ یک از وظائف و سازمانهای خود مانند عمل نمیتواند . جنبش سازمانهای پراکنده‌ای است که نمیتواند میان خود و طبقه کارگر را برقرار دارد ، جنبش سازمانهای پراکنده‌ای است که نمیتواند معضلات تئوریک و سیاسی مقابل پایش را حل کند ، همه اینها نتیجه یک مشکل بنیادی است که نمیتوان دلیل اساسی

مدعاست . آیا گروهها و سازمانهای جنبش کمونیستی ما توانسته‌اند در این دوران رابطه میان خود و طبقه کارگر را مستحکم سازند؟ آیا توانسته‌اند به معضلات تئوریک ـ سیاسی این جنبش پاسخ گویند؟ پاسخ هر دوی این سئوالات منفی است و تا زمانیکه وضع جنبش کمونیستی ما بهمین ترتیب باقی بماند ، منفی نیز خواهد بود . اما دلیل این موانع و کارشکنی ها چه بود؟ آیا جوانی و بی تجربگی و سطح پائین تئوریک جنبش ما دلیل اصلی آن بود؟ این پاسخ گرچه ، بخشا صادق است ، لاکن به هیچ روی نمیتواند دلیل اصلی آن باشد . جنبش کمونیستی ما پس از سالها پراکندگی و جدائی از یکدیگر و عادت به این شرایط ، اولین تجربه گسترده کوشش برای وحدت را آزمایش میکرد و طبیعی بود که در این راه با موانع متعددی روبرو گردد که بی تجربگی و جوانی در آن سهیم است . لاکن ، کاش دردهای ما به همین خلاصه میشد . آنوقت می‌توانستیم امیدوار باشیم که پس از این تجربه راه وحدت گشوده شود . درد ما بیش از اینهاست . ما از یکسو میراث دار گذشته پراکنده و عادت ناشی از آن هستیم و از سوی دیگر عهده‌دار رسالت خنثی کردن تحدید و یکپارچه میباشیم . میان این گذشته و آینده باید پل زد ، از گذشته برید و به آینده پیوست . " کنفرانس وحدت " عینا بیست چنین نقشی میداشت . بسیاری از محافل کوچک و بزرگ و گروههای مختلف کمونیستی به این کنفرانس چشم امید دوخته بودند . آنها در این کنفرانس ، پایان معضلات و پس پشت خودشان را جستجو میکردند . اما کنفرانس به تدریج امیدها را به یاس تبدیل می‌ساخت . زیرا جریانی آگاهانه و عامدانه میخواستند که این جنبش در گذشته باقی بماند . انسان رشد خود را در گرو حفظ شرایط گذشته (وکنونی) میدید و نمی بیند . گذشته سرچشمه موجودیت همه گروهها و محافل و سازمانهای پراکنده است ، در حالیکه آینده بر اساس موجودیت مستقل خط تطابق میکند . کنفرانس اعلام طبقه کارگر ، که ناشی از شرایط زندگی و کار اوست و زیر این حکم عربی در آمده است ، وحدت نیافت . در حالیکه تز اصلی روشنفکران خرده بورژوا ، که اساسا ناشی از شرایط زندگی و کار آنهاست و زیر این حکم عربی در آمده است ، پراکندگی نیافت . یک

خرده بورژوا در پراکندگی است که میتواند ابراز وجود نماید و " خود " را نشان دهد ، در حالیکه طبقه کارگر در پراکندگی هیچ ندارد و " خود " او در وحدتش نهفته است . اینبار گرایش طبقاتی در جنبش کمونیستی ما نیز بشکل دو گرایش ، یکی حفظ و گسترش پراکندگی و خودنمائی بر این زمینه و دیگری مبارزه با این پراکندگی و تامین وحدت جنبش کمونیستی ، تبلور پیدا کرده است . تا زمانیکه مسئله این نقطه حرکت حل نشود ، هیچ چیز حل نخواهد شد . باید روشن کرد که ما بکدام یک از این دو گرایش تعلق داریم . و آیا در عمل حاضریم گامهائی در اثبات ادعای خود بردارد؟ گرایش غالب بر کنفرانس وحدت " ، از روح خرده بورژوائی و در خدمت حفظ پراکندگی کنونی بود و یکی از حاملین این گرایش نیز " سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر " . گرایش غالب بر سازمان " پیکار " ، در حفظ پراکندگی کنونی ، حفظ موجودیت خویش را جستجو و توجیه میکرد و میکند . سد انحراف آنها بقدری بود که حتی موجودیت " کنفرانس وحدت " را سد راه خویش میدانستند و بر ادامه کار سازمان نیز نه وحدت جنبش کمونیستی ، بلکه جذب نیروها و محافل و سازمانها بدرون خودشان و بر این اساس ، بزرگ و بزرگتر شدن و ایجاد " سازمان واحد " و بالاخره اعلام حزب بود و هست . در نتیجه این رفقا ، تنها نه همگونی همه جنبش کمونیستی و ارائه راه حلی که ناظر بر این همگونی باشد نداشتند . زیرا این همگونی در برنامه خود سازی آنها جائی نداشت و ندارد . حزب برای آنها نه محصول وحدت جنبش کمونیستی ایران ، بلکه محصول رشد و گسترش خودشان بود و پس و در نتیجه در " کنفرانس وحدت " و گروههای شرکت کننده در آن ، رقبی برای خود میدیدند که دست و پا گیر است و نمی گذارد گروهها جذب شوند . از لحاظی این استدلال درست نیز هست . یک گروه کوچک ، دوران بیشتر در سرایش نیست ، تا جذب یک گروه بزرگتر شود و از این طریق بر دامنه امکانات و فعالیت خود بیافزاید و با دریک مجمع بزرگتر کمونیستی ، با گروهها و سازمانهای مشابه بیشتر سرگرم رحودن مشترکا در جهت وحدت این جنبش میکوشد . کنفرانس وحدت جنبش محتمی شود و در نتیجه روشن و واضح است که در این برنامه جذب و تعقیب " سازمان " قرار داشت ، تئوری جذب ،

یک تئوری

صفحه دوم صفحه ۲۴

www.iran-archive.com

بیاد رفیق شهید داریوش صابر

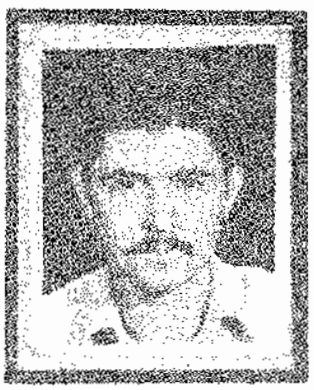

شهیدی از تبار قیامگران ۲۳ بهمن ۱۳۵۷

[illegible]

صفحه [illegible] بود و در همان سالها در اسر [illegible] مدتی و رژیم از سرکوب [illegible] اجراح شد. [illegible] را اجراح [illegible] داریوش به [illegible] خانواده اش [illegible] شهرار آمد. پس از پایان دوره اول دبستان وارد دبیرستان صنعتی شهرار شد. او از همین سالها مبارزه خویش را علیه رژیم دیکتاتوری و وابسته محیط تحصیلی خویش در پیشبرد مبارزه و مبارزه مذهبی آن فعال بود. پس از پایان تحصیلات متوسطه به سربازی رفت و در پادگان [illegible] مبارزه ادامه داد. پس از پایان سربازی به آبادان رفت و در آنجا [illegible] خود در مبارزه و مبارزه مذهبی کوشا بود. او در مبارزات مردم آبادان بویژه پس از اخراج [illegible] رئیس، در مشکل و حساسیت مبارزات مردم آبادان رئیس بسیار فعالی داشت. او در مبارزه مذهبی و آگاهی کارگران بالایشگاه شرکت داشت و لحظه‌ای از کوشش

بقیه در صفحه ۶

پیرامون وحدت جنبش کمونیستی

یک طرح پیشنهادی از طرف ۵ گروه

چندی قبل "کنفدراسیون وحدت در راه آزادی طبقه کارگر" با صدور اعلامیه‌ای پایان کار خویش را اعلام نمود. در این اعلامیه، پذیرفته شده است که هدف اصلی این کنفدراسیون [illegible] وحدت جنبش کمونیستی [illegible] و وحدت این کنفدراسیون [illegible] از این لحاظ و عدم تحقق این هدف [illegible] قابل بررسی است. کنفدراسیون وحدت در انجام

بقیه در صفحه ۲۳

سیاست خارجی بنی صدر را بکجا می‌کشاند؟

سیاست "موازنه منفی" بنی صدر تکرار تراژدی

سیاست خارجی مصدق

[illegible] آیا بنی صدر طی مصاحبه [illegible] اظهارات، [illegible] سیاست خارجی [illegible] آینده این سیاست [illegible] آمریکا [illegible] در مقابل آمریکا [illegible] آیا بنی صدر در این جمله [illegible] آیا بنی صدر در این [illegible] آمریکا و [illegible] دشمن انقلاب ایران [illegible] آیا بنی صدر در این [illegible] وهر چند که [illegible] آیا [illegible] آن را به [illegible]

[illegible] آزادی [illegible] ارتباط علنی با آمریکا [illegible] آزادی و [illegible] در حزب جمهوری اسلامی [illegible] آمریکا [illegible] وحشی [illegible] آن [illegible] سیاست واقع بینی [illegible] آمریکا [illegible] سوریه [illegible] سوریه [illegible] سوریه [illegible] آن [illegible] آن [illegible] سوریه [illegible] آن [illegible]

بقیه در صفحه ۲۰

پرده پوشی یک جنایت هولناک

چندی قبل روزنامه‌ها نوشتند که "فرار دسته زنی دو سرباز را اعدام کردند که زن بدکاره‌ای در دادگاه انقلاب اسلامی" به اعدام محکوم شده بود و پس از سربازان جنوبی به سردخانه بیمارستان منتقل میشود، اما پس از مدتی معلوم میشود که وی نمرده و کماکان در قید حیات است، در نتیجه یکی از پاسداران به بیمارستان رفته، اعدام را تکرار میکند و حکم بالاخره اجرا میشود. اینها همه دروغ و برای پرده پوشاندن بر واقعیت حاکمی است که از جانب سه نفر افراد سپاه پاسداران اردبیل رخ داده است.

حقیقت جریان چنین بوده است:

بقیه در صفحه ۸

www.iran-archive.com